



کانون سنگر سازان بی سنگر

نشریه فرهنگی - خبری

سنگر سازان

شماره ۱۰۴ - تیر ماه ۱۴۰۱

- * بازخوانی یک پیام
- * سیرشناسی توسعه نهاد جهاد سازندگی در
انقلاب اسلامی ایران
- * منشور نرم افزاری جهاد سازندگی در تدوین نقشه
مهندسی فرهنگی کشور
- * جهاد سازندگی؛ تاریخچه تشکیل و خلاصه عملکرد
- * داستان ایستادگی
- * بیانیه کانون سنگر سازان بی سنگر به مناسبت سالگرد
تاسیس جهاد سازندگی

کربلای

آزادی می‌میرد

هران آزاد شد قلب ما شد

عید از خود گذشتگی

قربان؛ عید از خود گذشتگی مبارک باد



صاحب امتیاز:

کانون سنجسازان بی سنجس مرکز

مدیر مسئول:

محمد صدوری

سرمدیر:

فتح الله نادهلی

مدیر اجرایی:

مجید صفی

همکاران این شماره:

حجت ترشیزی، عبدالله فاتحی،

صادق صدقگو، مهدی محمدی، علی

مشایخی، محسن دلیری و جواد

زرگروفا

باتشکر از همکاری:

کانون های سنجسازان بی سنجس استان ها و

شهرستان های ویژه و کلیه عزیزانی که ما را

در تهیه این شماره یاری کردند.



در این شماره می خوانید

۴	در تیرماه
۸	باز خوانی یک پیام
۱۱	داستان ایستادگی
۱۷	سیرشناسی توسعه نهاد جهاد سازندگی در انقلاب اسلامی ایران
۲۲	سواد رسانه ای؛ لازمه جهاد تبیین
۲۶	منشور نرم افزاری جهاد سازندگی در تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور
۲۹	کتاب رسم جهاد ۱
۳۵	جهاد سازندگی؛ تاریخچه تشکیل و خلاصه عملکرد
۴۷	به رنگ آسمان بی کران
۵۱	از ایثارگران به ...
۵۲	جهت استحضار
۵۳	اخبار

* تصاویر به کار گرفته شده در این نشریه از کلیات فعالیت های سنجسازان بی سنجس می باشد و الزاما منحصر به مطلب مندرج نیست.

* نشریه سنجسازان بی سنجس آماده دریافت مطالب، خاطرات، دلیشته ها و... شما عزیزان می باشد.

* نشریه در تلخیص یا ویرایش محتوای ارسالی مختار می باشد.

فتح الله نادعلی

سخن نخست

در تیرماه

تیرماه امسال آن قدر آکنده از مناسبت است که یافتنِ عنوانی برای سخنِ نخستِ این شماره از نشریه که در بر گیرنده ی تمامِ این مناسبت ها باشد؛ کاری سخت و دشوار بود. به همین جهت عنوان «در تیرماه» را انتخاب کردیم؛ ساده و نزدیک به معنا!

۱- یکی از بزرگترین چالش های کشور و نظام اسلامی در تیرماه دهه ی شصت اتفاق افتاد؛ در ششم این ماه ترور نافرجام مقام معظم رهبری در مسجد ابوذر تهران

و «انفجار در دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت ۷۲ تن از یاران امام و خادمان ملت»؛ از جمله شهید آیت الله دکتر بهشتی! در هفتمین روز از این ماه!

حضرت امام خمینی در پی ترور آیت الله خامنه ای چنین فرمودند: «اینان به کسی سوء قصد کردند که آوای دعوت او به صلاح و سداد در گوش مسلمین جهان طنین انداز است... من به شما خامنه ای عزیز، تبریک می گویم که در جبهه های نبرد با لباس سربازی و در پشت جبهه با لباس روحانی به این ملت مظلوم خدمت نموده، و از خداوند تعالی سلامت شما را برای ادامه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم.»

ایشان پس از شهادت دکتر بهشتی و خادمان ملت نیز در پیامی این گونه فرمودند: «..... گیرم که شما با شهید بهشتی که مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار در چشم دشمنان اسلام و خصوص شما بود دشمنی سرسختانه

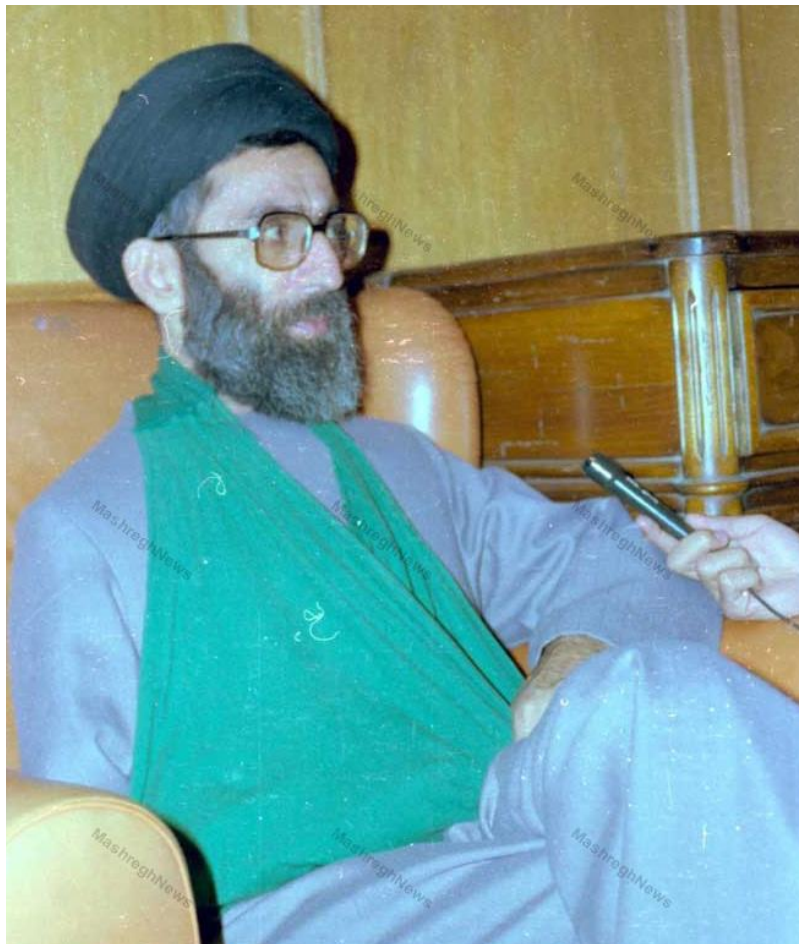
داشتید، با بیش از ۷۰ نفر بیگناه

که بسیاری شان از بهترین خدمتگزاران خلق و مخالف سرسخت با دشمنان کشور و ملت بودند چه دشمنی داشتید؟ جز آن که شما با اسم خلق از دشمنان خلق و راه صاف کنان چپاولگران شرق و غرب می باشید...»

۲- نهمین روز از این ماه سالروز شروع عملیات پیروزمندانه کربلای یک در سال ۱۳۶۵ است. طی این عملیات، شهر مهران و روستاهای اطراف آن، جاده دهلران- مهران و ارتفاعات حساس قلاویزان و... آزاد شد. بی شک جهادگران حاضر در این عملیات سخت، دو عطش را به خوبی یادشان هست؛

عطش آب و عطش برای رسیدن به هدف! در این آوردگاه عطش آب در برابر عطش مجاهدت زانو زد و آن شد که از مجاهدان فی سبیل الله انتظار می رفت. آنان رفتند تا معنای عطش را برای همه ی نسل ها به یادگار بگذارند و اکنون در سخت ترین مقاطع و مراحل انقلاب اسلامی چه زیباست که با قرائتی برگرفته از عملیات کربلای یک، واژه عطش را بازخوانی نماییم!

عملیات کربلای یک با پیروزی و با عطشی وصف ناپذیر به اتمام رسید و پایانی شد برحربه ی استراتژی دفاع متحرک رژیم بعث عراق و امیدی برای پیروزی نهایی رزمندگان اسلام در آن حماسه ی ماندگار. اکنون نیز عملیاتی این گونه را باید و با همان عطش؛ برای دمیدن امید و نشاط به جامعه و رسیدن به قله های عزت و برکت! این عطش ها ستودنی است؛ از عطش در ارتفاعات قلاویزان در سال ۶۵ تا عطش برای خدمت در سال ۱۴۰۱.



تحت فشار قرار دادن دولت و مردم بزرگ ایران انجام پذیرفت. این رویداد چهره ی حقیقی استکبار را به نمایش گذاشت و بار دیگر نشان داد که آمریکا علی رغم نمای ظاهری اش، نه فقط بزرگ ترین ناقض حقوق بشر، بلکه دشمن بشریت است؛ بشریتی که بخواهد روی پای خود بایستد و خودش باشد!!

۵- شانزدهمین روز از این ماه سالروز شهادت امام محمد باقر علیه السلام است. ایشان در واقعه ی عاشورا در سال ۶۱ هجری قمری چهار ساله بودند و به همراه پدر و جد بزرگوارشان امام حسین (علیه السلام) در سرزمین کربلا حضور داشتند. ایشان را بنیانگذار انقلاب فرهنگی و نهضت علمی شیعه و اسلام می دانند. این امام بزرگوار در صحنه ی علمی ظهور یافت و علوم دینی و الهی را فرا راه حق جویان قرارداد و با تبیین درست و اصیل دیدگاه اسلام ناب، جلوه ی زیبایی از دانش و آگاهی و معرفت را ترسیم نمود و دور افتادگان از ساحل حقیقت را در عصر خویش و تمام اعصار نجات بخشید.

۶- اما هیجدهمین روز از این ماه روز عرفه است. روزی است که حق تعالی بندگان خویش را به عبادت و طاعت خود فراخوانده و سفره ی احسان الهی را برای ایشان گسترانیده است. دامنه ی کوه عرفات در آن روز، کلاس صحرایی پیامبر اسلام (صل الله علیه و اله وسلم) بود. رسول مکرم اسلام در چنین روزی در اجتماعی عظیم و با شکوه حجاج فرمودند: «... ای مردم سخنان مرا بشنوید! شاید دیگر شما را در این نقطه ملاقات نکنم. شما به زودی بسوی خدا باز می گردید. در آن جهان به اعمال نیک و بد شما رسیدگی می شود. من به شما توصیه می کنم؛ هر کس امانتی نزد اوست؛ باید به صاحبش برگرداند. هان ای مردم بدانید ربا در آئین اسلام اکیداً حرام است. از پیروی شیطان پرهیزید.



بی شک این لبان تشنه ی خدمت، به جامی از رضایت حضرت حق و دعای خلقِ صبور و مقاوم سیراب خواهند شد.

۳- نهمین روز این ماه مصادف با سی ام ذی القعدة، سالروز شهادت امام محمد تقی جواد الائمه علیه السلام هم هست. آثار فکری و روایاتی که از آن حضرت نقل شده و مسائلی را که آن امام پاسخ گفته و کلماتی که از آن حضرت بر جای مانده، تا ابد زینت بخش صفحات تاریخ اسلام است. این امام بزرگوار در حدیثی مومن را نیازمند سه چیز می داند و می فرماید: «الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ، وَاعِظُ مِنْ نَفْسِهِ، وَاقْبُولُ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ»؛ مؤمن نیاز دارد؛ به توفیقی از جانب خدا، به پندگویی از درون خودش و به پذیرش از کسی که او را نصیحت کند.

۴- دوازدهم تیرماه یادآور حمله ی تروریستی ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری ایران است. عملیاتی که برخلاف تمامی موازین حقوقی، حقوق بشری، اصول صریح منشور ملل متحد و همچنین اساسنامه دیوان بین الملل کیفری صورت گرفت. این اقدام با هدف مداخله در جریان جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران اسلامی و

بسیار زیادی از امیرالمومنین علی (علیه السلام) عنوان شده است و سومین اثر ارزشمند به جای مانده از ایشان «زیارت نامه امیرالمومنین (ع)» است.

۸- بیست و هفتم این ماه عید سعید غدیر خم فرا می‌رسد. در حقیقت این وادی غدیر خم بود که سال‌ها انتظار این روز را می‌کشید؛ تا آن که پیامبر در انبوه کاروانیان به سخن ایستاد. نسیم کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم، همه جا را عطر آگین کرد؛ بوی کلام بهشتی خداوند متعال!! آن گاه علی والا را به سوی خود خواند؛ دست یداللهی او را بالا برد و حجت را بر مردم حاضر و همه نسل‌ها تا انتها تمام کرد؛ آن روز دین خدا کامل شد و نعمت الهی کاملتر؛ الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و...!!

۹- و بالاخره ۲۹ تیرماه ولادت امام موسی کاظم علیه السلام است. هفتمین امام شیعیان پس از شهادت امام صادق علیه السلام مسئولیت دشواری را در قبال حفظ اسلام داشت. نگرانی‌هایی همچون، حرکات مزورانه خلفای عباسی و تظاهر آنها به دینداری برای تداوم حکومت و همچنین خطر فرقه گرایان مذهبی که در آن عصر فعالیت‌های گسترده‌ی فرهنگی را آغاز کرده بودند؛ از جمله مهم‌ترین دغدغه‌ها ی این امام بزرگوار بود. برنامه ریزی‌ها، اقدامات فرهنگی، اجتماعی و علمی امام کاظم علیه السلام، دارای آثار ی بی‌بدیل برای ثبات اسلام ناب محمدی و تقویت شیعیان علی علیه السلام در آن روزگار و همه دوران‌ها بوده است.

عید قربان یا عید الأضحی از عیدهای بزرگ مسلمانان نیز پس از عرفه، در دهم ذی‌حجه و نوزدهمین روز از این ماه‌رخ می‌نمایند و حاجیان را به قربانی نفس سرکش فرا می‌خواند و حسن ختامی می‌شود برای آنان که می‌خواهند بنده ی خالص خدا شوند. قربان یادآور زیباترین نمونه ی تعبد انسان در برابر خداوند متعال و عید فداکاری، ایثار، قربانی، اخلاص و عشق است.

۷- بیست و چهارم این ماه میلاد با سعادت حضرت امام علی النقی الهادی علیه السلام است. سه اثر ارزشمند از این امام همام را می‌توان از جمله یادگارهای ایشان برای مسلمانان و شیعیان دانست؛ «زیارت جامعه ی کبیره» که به تبیین جایگاه و مقام ائمه معصومین (علیهم السلام) پرداخته و در واقع یک دوره کامل امام شناسی است که مفاهیم بسیار با ارزشی در آن نهفته است. یکی دیگر از یادگارهای ارزشمند امام دهم «زیارت غدیری» است. در زیارت نامه ی مذکور با استناد به آیات قرآن کریم فضایل



حجت‌ترشیزی

ناچاریم که به ملت متوجه بشویم برای
سازندگی

باز خوانی یک پیام

واکاوی پیام امام خمینی (ره) به مناسبت تشکیل جهاد سازندگی

در

سال های

ابتدایی شروع گام

دوم انقلاب نیاز و اهمیت رجوع

به آرمانها و شعارهای انقلاب و بازخوانی

اندیشه‌های اعتقادی و سیاسی امام خمینی (ره) به

طور ملموسی احساس می‌شود. لذا بازخوانی فرازهایی از پیام

تاریخی امام (ره) به مناسبت تشکیل جهاد سازندگی در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸،

به‌عنوان یکی از اسناد شاخص نهادهای تشکیل‌دهنده «دولت اسلامی»، می‌تواند

بسیار آموزنده و راهگشا باشد. این پیام که در صحیفه امام (ره)، جلد ۸، صفحه ۱۷۹ و ۱۸۰

درج شده است، حاوی نکات راهبردی درباره شرایط محیطی و مطالبات نخبگانی ماه‌های اول انقلاب

است.

اولین جمله ای که معمار کبیر انقلاب اسلامی به این مناسبت مطرح می‌نمایند این است که: «ما در مشکلات

باید متوسل بشویم به ملت». تعمق در این جمله ما را به ژرفای اندیشه امام (ره) از نوع حکومت‌داری اسلامی رهنمون

و اگر تهمه‌ای هم باشد، با همت ملت خواهند رفت. لکن این دیوار شیطانی بزرگ که شکست، پشت آن دیوار خرابیهای زیاد هست؛ و ما باید به همت ملت آن خرابیها را ترمیم کنیم.»

بیان مفاهیم عمیق مردم‌سالاری دینی با جملاتی بسیار ساده از اوج نگاه یک حاکمی دینی یکی از ابعاد معجزه‌گونه انقلاب اسلامی ایران است. در این جملات

ساده تصریح می‌شود که تمامی مراحل بسیار سخت گذشته در سایه عنایات الهی، توسط مردم پشت سر گذاشته شده است و تک تک موانع را مردم کنار زدند، خائنین را بیرون کردند، لذا باید همین مردم خرابی‌های گذشته را ترمیم و اصلاح کنند و جز این چاره‌ای نیست. لذا در ادامه می‌فرمایند: «ناچاریم که به ملت متوجه بشویم برای سازندگی؛ برای اینکه ترمیم کنیم این خرابیها که در طول مدت حکومت جائر پهلوی در مملکت ما حاصل شده است. و- بحمد الله- ملت ما راجع به سازندگی، این مهیا بودن خودشان را اعلام کرده‌اند. دانشجویهای عزیز، متخصصین، مهندسين و بازاری، کشاورز، همه قشرهای ملت، داوطلب برای این است که ایرانی که به طور مخروبه به دست ما آمده است بسازند.»

طرح این موضوعات به ظاهر ساده مبانی اعتقادی تشکیل نهاد مردمی جهاد سازندگی را بیان می‌کند و فلسفه کار «همه با هم» را به وضوح روشن می‌نماید. با حکم جهاد توسط ولی فقیه عالم و مجتهد بعنوان بالاترین فرد جمهوری اسلامی بسیج تمام اقشار مختلف ملت امکان پذیر می‌شود و تمامی کارهای کوچک و بزرگ علاوه بر یک وظیفه ملی بعنوان یک وظیفه شرعی و دینی قلمداد می‌شود. لذا تشکیل جهادی موسوم به جهاد سازندگی متشکل از تمامی مردم برای آبادانی روستاها و رفع محرومیت برای حفظ و تثبیت انقلاب یک باید بود. ایشان در ادامه بیانیه خود اینگونه فرمودند:



می‌سازد و تفاوت ساختار نهادهای مبتنی بر انقلاب اسلامی را از دیگر ساختارهای برآمده از تفکر بروکراتیک به روشنی مطرح می‌نماید. مسیر نیاز برای حرکت یک انقلاب به سمت جامعه اسلامی، سپس دولت اسلامی و در نهایت تمدن اسلامی با این نگاه به سمت مردمی سازی تمام ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی تغییر می‌کند. مردمی سازی ارکان و وظایف حاکمیت، چیزی است که امروزه در ادبیات رجال سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور به طور محسوسی دیده می‌شود و اگر قرار باشد که یک الگوی عملی و مجرب در این راستا ارائه شود بدون شک یکی از مهمترین نهاد مردمی جهاد سازندگی خواهد بود.

ایشان در ادامه اوج نگاه خود را نسبت به ملت مطرح می‌نماید و می‌فرماید: «ملتی که- بحمد الله- مهیا برای کمک و فداکاری بوده و هستند.» این کلام و مطالبی دیگر از این دست از زبان عالی‌ترین فرد یک حکومت اسلامی مشخص کننده مبانی فکری اسلام در حکومت مردمی است. حکومتی که مردم بر پایه ولایت فقیه شکل دهنده اصلی آن هستند و نقش اساسی در حفظ و نگهداری آن دارند. امام امت در حالی حل تمامی مشکلات آینده کشور را به دست مردم ممکن می‌بیند که تمامی پیروزی‌های گذشته را نیز مرهون مبارزه و فداکاری ملت می‌داند و می‌فرماید:

«با فداکاری ملت - بحمد الله- مرحله‌ای را که بسیار اهمیت داشت پشت سر گذاشتیم، موانع مرتفع شد، خائنین رفتند،

«از این جهت، باید ما بگوئیم یک جهاد سازندگی، موسوم کنیم این جهاد را به «جهاد سازندگی» که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسين و متخصصين، شهری و دهاتی، همه با هم باید تشريك مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است بسازند. و البته آن جاهایی که بیشتر خرابی هست؛ مثل آنجاهایی که روستاها، جاهایی که مساکن عشایر هست، دهات دورافتاده که تقریباً هر کدام از گروهها می آیند، شکایت از وضعشان دارند، می گویند برق نداریم، خانه نداریم، آب نداریم، اسفالت نداریم، بهداشتی نداریم؛ و همه هم صحیح می گویند.»

تشکیل جهاد سازندگی توسط یک عالم و فقیه واجد شرایط که رهبری انقلاب اسلامی را به عهده گرفته است گونه بدیعی از مفهوم جهاد را به جهانیان معرفی کرد. جهاد برای سازندگی در شرایطی مطرح شد که همگان جهاد را فقط در راه جنگ و بعد سخت افزاری آن می دانستند در حالی که با تشکیل نهاد مقدس جهاد سازندگی مفهوم جهاد بُعد نرم افزاری به خود گرفت که می توانست قدرت درونی نظام را با هم افزایی تمامی اقشار جامعه بالا ببرد.

خمینی کبیر مرحله قیام و جهاد عمومی مردم برای سازندگی را مرحله دوم انقلاب معرفی کردند و از همگان خواستند که دست برادری به هم بدهند و این جهاد سازندگی را شروع کنند.

«بنا، بر این بوده است که این طور ایران را خراب کنند. و الآن که- بحمد الله- آن سد شکسته شد، برای مرحله ثانی، که مرحله سازندگی است، ما دستمان را پیش ملت دراز می کنیم، و از ملت می خواهیم که همه در این نهضت شرکت کنند و همه دست برادری به هم بدهند و این سازندگی و جهاد سازندگی را شروع کنند.»

در ادامه بیانیه امام(ره) به خطر کارهای عامیانه و غیر کارشناسی اشاره می کنند و از همه مردم می خواهند که ضمن تشریک مساعی با دولت تحت نظر کارشناسی کارها را به پیش ببرند.

«و البته مامورین دولت در هر جا- آنها هم- مردم با آنها تشریک مساعی کنند. در تحت نظر اشخاص کارشناس، مامورین دولت کارها را انجام بدهند. و روحانیونی که در همه جا در بلاد- بحمد الله- هستند، در این امر آنها هم تشریک

مساعی کنند، نظارت کنند.»

خطر نفوذ همواره کارهای جمعی بخصوص مردمی را تهدید می کند و امام خمینی با تیزبینی این موضوع را بعنوان یک سفارش مهم در بیانیه خود گوشزد می کنند:

«و من به همه ملت، به همه اشخاص که در این روستاها و دهات به سر می برند، پس از اینکه به همه شان دعا می کنم و عرض ارادت، یک سفارش دارم. و آن اینکه توجه کنند کسانی که برای ساختن و برای سازندگی و برای جهاد سازندگی در دهات می آیند، در روستاها می آیند، توجه کنند که مبدا خدای نخواستہ در بین آنها یک اشخاصی نباشد که بر خلاف رویه ملت، بر خلاف اسلام، مسائلی داشته باشند. اگر یک همچو اشخاص دیدند، فوراً آنها را از ده کنار بگذارند، و نگذارند در بین جوانهای ما، در بین روستاییان ما، تبلیغات سوئی بکنند.»

در پایان این سند استوار حرکت مردمی انقلاب امام(ره) ضمن دعای خیر برای تمامی مردم برای حضور در این جهاد همگانی برای سازندگی، اجر و ثواب کارهای جهادی برای سازندگی را از تمامی عبادات بالاتر می داند و تأکید می کنند که بجای رفتن به حج و عتبات همه با هم سازندگی کشور را شروع کنند.

«آن شاء الله خداوند به همه ملت و به همه کسانی که در این راه تشریک مساعی می کنند و این وظیفه اخلاقی- شرعی را ادا می کنند، به همه توفیق عنایت کند. همه موفق باشند که در این جهاد شرکت کنند و آن خرابه ها را بسازند، و برادران خودشان را کمک کنند؛ که شاید هیچ عبادتی بالاتر از این عبادت نباشد. بلکه من می خواهم از اشخاص که برای زیارتها، برای مکه معظمه، برای مدینه منوره می خواهند بروند لکن به طور استحباب می خواهند بروند، من می خواهم از آنها هم تقاضا کنم که شما برای ثواب می خواهید بروید مکه مشرف بشوید، می خواهید بروید مدینه منوره، عتبات عالیات مشرف بشوید؛ امروز ثوابی بالاتر از اینکه به برادرهای خودتان کمک کنید [نیست] و این سازندگی را همه با هم شروع کنید که ایران خودتان درست ساخته بشود، و برادرهای خودتان نجات پیدا بکنند. خداوند به همه شما اجر عنایت می کند، و همان ثوابی را که شما از زیارتها می خواهید خداوند به شما در این جهاد خواهد داد.»

فتح الله نادعلی

داستان ایستادگی

بازشناسی توطئه ها، چالش ها و مقاومت نظام اسلامی و ملت بزرگ ایران از آغاز تا کنون

بخش چهارم

سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با مردم انقلابی در اراک، در ششمین روز از این ماه گروه های مسلح مخالف نظام، با انواع سلاح های سبک و سنگین به روستای شملکان

همزمان با پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ و اجرای حمله نظامی آمریکا به طیس که در قسمت قبلی به آن پرداختیم؛ درگیری های ضد انقلاب با ملت و نظام اسلامی در نقاط مختلف کشور ادامه یافت؛ به طور مثال در همان پنجم اردیبهشت درگیری مسلحانه ی هواداران

از توابع ارومیه حمله کردند که با پاسخ نیروهای نظامی، مجبور به عقب‌نشینی شدند. اما در همین روز، یعنی یک روز پس از حمله‌ی آمریکا در طبس، اتفاق تامل بر انگیزی در امتداد این حمله‌ی ناکام استکبار در بیابان‌های طبس به وقوع پیوست؛ شهادت پاسدار «محمد منتظر قائم» فرمانده‌ی وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یزد!! پس از ناکامی آمریکا در طبس و به‌جای گذاشتن چند فروند هلی‌کوپتر، محمد منتظر قائم جهت بررسی اوضاع و جمع‌آوری اطلاعات و اسناد به جای مانده به محل وارد می‌شوند.

در همین زمان با هماهنگی بنی‌صدر این منطقه بمباران وایشان به شهادت می‌رسند.

اما اردیبهشت ۵۹ همچنان با حملات و درگیری‌های ضد انقلاب به خصوص در منطقه کردستان شدت و تداوم می‌یافت. تقریباً روزی نبود که گروه‌های ضد انقلاب به ملت و نیروهای انقلاب، تاسیسات، مراکز اداری و حتی مزارع کشاورزی ملت حمله ور نشده و تعدادی را به شهادت نرسانند. تنها در روز یازدهم اردیبهشت درگیری‌های مسلحانه‌ای از سوی گروهک‌های ضد انقلاب از جمله حزب دموکرت در بانه، جوانرود، سقز، سنندج، قصر شیرین، کرمانشاه و بوکان رخداد داد. در همین روز درگیری‌های مسلحانه‌ی چریک‌های فدایی خلق با مردم در

تهران، درگیری مسلحانه هواداران گروهک‌ها در دانشگاه تهران و یا درگیری مسلحانه عناصر سازمان منافقین خلق با مردم در شهرستان ساری به وقوع پیوست. در همین روز درگیری مسلحانه در سقز، سنندج، شاهین دژ چند نفر از پاسداران انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند. حتی چریک‌های فدایی خلق، حرکت آگاهانه‌ی مردم در روز کارگر را تاب نیاوردند و به راهپیمایان این روز در کامیاران حمله مسلحانه کردند.

با مطالعه دقیق این مقطع و مرحله از تاریخ نظام اسلامی از منظر تلاش گروهک‌های متعدد ضد انقلاب در ایجاد ناامنی در کشور و مقابله‌ی شجاعانه‌ی ملت و نظام اسلامی برای برون رفت از آن روزهای سخت، می‌توان واقعیاتی را از داستان ایستادگی ملت بزرگ ایران کشف نمود که آشکارا عمق دشمنی بدخواهان این ملت و نظام و عظمت تقابل هوشمندانه و خالصانه‌ی ملت از نظام نوپایشان را نشان می‌دهد. جوانان این کشور اگر بدانند که فقط در روز دوازدهم اردیبهشت این سال ۲۳ درگیری و حمله مسلحانه‌ی ثبت شده در مناطق مختلف کشور از جمله تهران، کردستان و مشهد گزارش شده است و این آمار در تمام روزهای این ماه و ماه‌های قبل و بعد آن نیز وجود داشته است و پدران و مادران آن‌ها با بذل جان خویش و تحمل شدیدترین چالش‌های ممکن، از کشور



روزنامه جمهوری اسلامی؛ ۱۸ بهمن ۱۳۵۸

نقش عراق در انفجار لوله‌های نفت فاش شد مواد منفجر کننده لوله‌های گاز از عراق وارد شده است

اهواز - خبرنگار جمهوری اسلامی - اطلاعیه سپاه پاسداران اهواز در رابطه با انفجار لوله‌های گاز در امیدیه بشرح زیر انتشار یافت:
بسم الله الرحمن الرحيم

ملت قهرمان ایران از پیروزی انقلاب عظیم اسلامیان یکسال میگذرد هم اکنون همه افشار یکپارچه بسرور و وحدت برخاسته‌اند. هم زمان با این جشن‌ها ضدانقلاب و عوامل سرسپرده رژیم یوسیده قبلی وابسته به آمریکای جهان‌خوار از طریق عراق بفکر توطئه‌هایی نیز افتاده‌اند. در عرض این یکی دو سال که امت بیاخته تصمیم بعملی همچون برگزاری referendum قانون اساسی، انتخابات مجلس خبرگان و غیره گرفته عوامل داخلی دست به اقدامی ناجوان‌مردانه مانند انفجار در اماکن عمومی، بازارهای اهواز، خرم‌شهر، آبادان دشت آزادگان، و یا در خط لوله راه آهن و در قطار انجام میدهند. پس از اشغال سفارتخانه آمریکا توسط

و ارزش های دینی و ملی حاکم بر آن حفاظت نمودند؛ به خود و نسل های پیشین خویش به خاطر عظمت حماسه آفرینی هایشان خواهند بالید!

به عنوان نمونه بزرگترین توطئه ی استکبار جهانی بر علیه ایران اسلامی در اولین روز خرداد سال ۵۹ کلید خورد ؛ محاصره ی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا و هم پیمانانش؛ از جمله بلوکه کردن دارایی‌های ایران، قطع روابط سیاسی و نظامی و تبلیغاتی و هم‌چنین حربه‌ی تحریم اقتصادی! این حمله ی استکبار آن قدر گسترده بود که کمتر کسی در جهان به عبور سلامت ایران اسلامی از آن خوشبین بود ؛ آن قدر وسیع و متنوع که تنها بخشی از آن می توانست هر نظام سیاسی در جهان را با چالشی بزرگ، تا حد بر اندازی به پیش ببرد ؛ ولی حضرت امام (ره) با رهبری خردمندانه ی خویش، آن را هدیه نام برد و فرصتی برای یافتن شخصیت ایرانی: «... من اعتقادم این است که اگر ما در محاصره‌ی اقتصادی ده سال، پانزده سال واقع بشویم، شخصیت خودمان را پیدا می‌کنیم. وقتی این احساس پیدا شد در یک ملتی که من خودم باید هرچیز می‌خواهم تهیه کنم، مغزها به راه می‌افتد. این محاصره‌ی اقتصادی را که خیلی از آن می‌ترسند، من یک هدیه‌ای می‌دانم برای کشور خودمان... مهم این است که ما بفهمیم دیگران به ما چیزی نمی‌دهند.»

مطالعه‌ی نیمه‌ی اول سال ۱۳۵۹ از زوایای اشاره شده را به خوانندگان بزرگوار می سپاریم و این مقطع را از منظری دیگر مورد بررسی قرار می دهیم ؛ از جهتی که بازهم به آن کمتر پرداخته شده است و مخاطبان و به خصوص نسل جوان کمتر با آشنایی دارند.

بی شک اگر از هر که سوال شود؛ آغاز حمله ی رژیم بعثی صدام به ایران اسلامی چه تاریخی بوده ؟ خواهد گفت ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ ؛ در صورتی این حملات بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ آغاز و در سال ۱۳۵۸ تداوم و در نیمه اول سال ۱۳۵۹ توسعه یافت و البته در ۳۱ شهریور ۵۹ با پشتیبانی مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی، نیروی انسانی و..... ده ها کشور به این رژیم، ارتش این کشور با حمله ی گسترده

به کیلومترها مرز مشترک، تجاوز خود را علنی نموده و رسمیت بخشید !!

در زیر به صورت فهرستوار به چند تجاوز مرزی رژیم بعثی عراق برضد ایران تا قبل از آغاز حمله ی گسترده اشاره خواهد شد.

* بمباران منطقه‌ی مرزی سیرین، ۸ اسفند ۵۷.

* تجاوز چهار بالگرد عراقی به حریم هوایی ایران در مرز مریوان، ۲۱ اسفند ۵۷.

* تیراندازی نیروهای مرزی عراق به پاسگاه‌های مرزی ایران و تجاوز هوایی هواپیماهای این کشور به حریم هوایی ایران، ۱۵ خرداد ماه ۵۸.

* تجاوز پلیس عراق به داخل خاک ایران در روستاهای مرزی آذربایجان غربی و حمله به عشایر ایرانی، تاریخ ۳ تیرماه ۵۸.

* تجاوز هوایی به مریوان، ۹ تیرماه ۵۸.

* شلیک موشک آر. پی. جی. ۷ به سوی کامیون سپاه و خودروی ارتش از خاک عراق در منطقه‌ی شلمچه، ۱۰ تیرماه ۵۸.

* تصرف پاسگاه مرزی «بزمیر آباد» از سوی نیروهای

عراقی، ۱۴ آذرماه ۵۸.

* حمله‌ی هزار مهاجم عراقی به پاسگاه‌های مرزی ایران، ۲۳ بهمن‌ماه ۵۸.

* حمله‌ی نیروهای عراق به دو پاسگاه مرزی تنگاب‌نو و خسروی در نوار مرزی قصر شیرین، ۹ فروردین ۵۹.

* بمباران قصر شیرین، ۱۳ خرداد ۵۹.

* خمپاره باران قصر شیرین، ۱۵ تیر ۵۹.

البته با نزدیک‌تر شدن به پایان تابستان ۱۳۵۹ و قریب الوقوع شدن حمله گسترده‌ی رژیم بعث، تعداد تعرض‌ها و تجاوزهای نظامی برضد ایران به شدت افزایش یافت و تقریباً در تمام روزهای مرداد و شهریور این سال وجود داشت و عملاً این رژیم متجاوز با این تحرکات خود را برای حمله گسترده آماده می‌نمود!

البته حکومت بعث برای آماده کردن بستر موفقیت در حمله‌ی قریب الوقوع خود از ابزار و شیوه‌های مختلف دیگر نیز استفاده می‌نمود؛ از جمله تحریک مخالفان انقلاب اسلامی و تجهیز شورش‌های قومیتی! در این راه رژیم بعث اقدام به راه اندازی رادیوهایی به زبان‌های فارسی، کردی، ارمنی و بلوچی به منظور «ایجاد تفرقه و فتنه‌های مذهبی در داخل ایران» نمود. بیش‌ترین دخالت‌های دولت عراق به هنگام بروز ناآرامی‌های داخلی در ایران که ریشه‌های قومیتی داشتند، در دو منطقه‌ی کردستان و

خوزستان انجام می‌گرفت؛ اما این رژیم اهداف عمده‌تری را در جنوب و خوزستان ایران دنبال می‌کرد. جنوب ایران از نظر جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی در مقایسه با غرب از اهمیت بیش‌تری برای عراق برخوردار بود. از این رو بیش‌ترین دخالت و تحریکات در جنوب و به طور مشخص در خوزستان انجام شد.

نمونه‌هایی از اقدامات دولت بعث عراق در منطقه‌ی خوزستان بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تا زمان آغاز حمله‌ی گسترده‌ی رژیم بعث به ایران اسلامی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ را می‌توان این گونه برشمرد: - از همان آغازین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به تحریک ایرانیان عرب زبان که بیش‌تر در خوزستان ایران سکونت داشتند، مبادرت نمود!

- سازمان سیاسی خلق عرب مورد حمایت رژیم بعث، شعار جدایی خوزستان را سر می‌داد و در همه جا، کلمات «عربستان» و «محمرة» را جایگزین خوزستان و خرمشهر نمود.

- دولت صدام، رهبران جدایی طلب خوزستان را در بغداد جمع نموده و ادعای عربیت خوزستان و لزوم جدایی آن از ایران و پیوستن به «سرزمین پدری» را مطرح کرد. - در ۲۶ تیرماه ۱۳۵۹، در مراسم دوازدهمین سالگرد به قدرت رسیدن حزب بعث، شعارهایی نظیر «اعراب اهواز ...

امام: امروزه عملی برخلاف جریان انقلابی ایران دلیل بر وابستگی است
بفرمان امام از گروه‌های مختلف کشورهای جهان برای رسیدگی به جرائم آمریکا در ایران دعوت می‌شود

تشکیل دادگاه جهانی برای رسیدگی به جنایات آمریکا

در صفحه ۶

امریکا قصد داشت اقامتگاه امام را بمباران و سفارت را اشغال کند
آیت‌الله خلیلی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت:

در حمله نظامی آمریکا ۳۰۰۰۰ قتلگدار و ۲۰ فرونده هواپیما و ۱۸ هلیکوپتر شرکت داشتند

● دشمن متجاوز در کرمان و یزد و طیس پیاده شده و ۱۵۰۰ کیلومتر در منطقه پیشروی کرده است (!)
● قرار بود در امددیه و دانشگاه و منظره قم و فرودگاه مهرآباد فرود آمده و حمله را به کمک آبادی داخلی آغاز کنند

در صفحه ۱۲

در یک درگیری هوایی با عراق: **مدم اهه از علیه**

نوسط هیئت سه نفری از سوی شورای انقلاب

بمباران مشکوک هلیکوپترها بررسی

سازمان پیکار اسلامی عراق اعلام کرد:

صدام حسین ترور شد

● در عراق کودتائی صورت نگرفته است
● دو تن از مجاهدین مسلمان عراقی در جریان اعدام صدام حسین پشه‌ها در رسیدند
● تلویزیون عراق مراسم استقبال صدام حسین از یک مسلمان خارجی را نمایش داد

در صفحه ۶

۱۲ صفحه

جمهوری اسلامی

دوشنبه ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ - شماره ۳۳۳
از سوی انجمن‌های اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی کشور:

«ستاد جذب نیرو برای جهاد سازندگی» تشکیل شد



اسلامی آبادان بیش از ۳ هزار فشنگ کلاشینکف، ۳۰ عدد نارنجک، چند قبضه کلاشینکف، ۳۰ دست لباس غواصی، تعدادی اسلحه‌ی دست ساز و چند قبضه اسلحه‌ی کمری به اضافه‌ی مقداری پول، اوراق و اعلامیه که به زبان عربی چاپ شده بود؛ در جزیره‌ی مینو به دست آمد که از سوی رژیم عراق برای عناصر ضد انقلاب در خوزستان ارسال شده بود.

- در همین روز، یک شبکه‌ی جاسوسی عراق در مرز خسروی کشف شد. در بازجویی اولیه، افراد دستگیره شده اعتراف کردند که اطلاعاتی از ارتش و سایر فعالیت‌های ایران را به پاسگاه مرزی عراق منعکس می کرده اند! به موارد ذکر شده باید رفتار دولت بعثی عراق با شیعیان عراقی و ایرانیان مقیم این کشور را نیز افزود، همچون: * به شهادت رساندن «آیت‌الله محمد باقر صدر» در فروردین ۱۳۵۹.

* اخراج بیش از ۵۰۰۰ نفر از ایرانیان مقیم این کشور همراه با رفتارهای غیر انسانی! ضمناً اظهارات تحریک آمیز صدام و سایر مسئولان این رژیم نیز حامل زمینه سازی مناسب برای یک تحرک بزرگ نظامی بود. به طور مثال:

* سفیر عراق در بیروت در مصاحبه با روزنامه‌ی «النهار» در ۸ آبان ۱۳۵۸، اظهار داشت: «ایران باید تمامی حقوق عراق در شط العرب را به طور داوطلبانه برگرداند»

را به حال خود بگذارید»، «خلیج عربی گورستان رژیم نژاد پرست فارس است» سر داده شد.

- در همین مراسم، صدام آشکارا حمایت دولت عراق از جدایی طلبان خوزستان را مطرح نموده و اظهار داشت: «ما به مبارزه‌های خلق‌های ایران برضد دیدگاه‌های عقب افتاده و خودکامه و برضد جهت‌گیری‌های منحرفی که زیر پوشش مذهبی مخفی می‌شوند ... درود می‌فرستیم. ما به خلق مبارز عربستان [خوزستان] در راه آزادی و برابری برضد دار و دسته‌ی نژاد پرستی که او را از ساده‌ترین حقوق زندگی و امیدها محروم ساخته است و کاروان شهیدانش را تقدیم می‌دارد، درود می‌فرستیم.»

- این رژیم به طور رسمی کتاب‌هایی چاپ نمود که خوزستان را «عربستان» خرمشهر را «محمرة» و اهواز را «الاحواز» خوانده بود.

- گزارش‌های متعددی از سوی نهادهای مختلف سیاسی و امنیتی مستقر در خوزستان می رسید؛ مبنی بر ارسال گسترده‌ی سلاح و تجهیزات جنگی از عراق به خوزستان.

- در زمان تحرکات قومی در خوزستان گروه‌ها و دسته‌های مختلفی از سوی نیروهای نظامی و امنیتی ایران در مرز ایران و عراق دستگیر شدند که به مأموریت‌های جاسوسی خود برای دولت رژیم بعث عراق اعتراف نمودند! - در ۲۳ تیرماه ۱۳۵۸، از سوی سپاه پاسداران انقلاب

* در مهرماه ۱۳۵۸، به دنبال تظاهرات شیعیان در بحرین و کویت، صدام با لحنی اخطار گونه خطاب به جمهوری اسلامی اظهار داشت: «قدرت عراق برضد هر کشوری که بخواهد به حاکمیت کویت یا بحرین تجاوز کند و یا به مردم و یا تمامیت ارضی آن کشورها آسیب رساند، به کار می‌رود».

* در ۱۲ فروردین ۱۳۵۹، طارق عزیز، معاون نخست وزیر عراق از سوی شخصی به نام «سمیر نورعلی» در دانشگاه «المستنصریه» بغداد مورد سوء قصد قرار گرفت. پس از این واقعه دولت عراق بدون هیچ شاهد و مدرکی، سوء قصد اشاره شده را به ایران نسبت داد. صدام در همان روز گفت: «ما دست‌های هر کسی را که بخواهد به طرف عراق دراز شود، قطع می‌کنیم. ... ما حاضریم با هر کسی که بخواهد با ما بجنگد با او بجنگیم. هر کسی که بخواهد دشمن عراق و دشمن ملت عرب باشد ما مانند نیزه‌های نوک تیزی خواهیم بود که برای جنگیدن با او آماده هستیم».

* صدام در روز بعد، یعنی در ۱۳ فروردین در دانشگاه المستنصریه - محل وقوع سوء قصد گفت: «خون پاکی که در المستنصریه به زمین ریخت بدون انتقام نخواهد ماند». سپس سه بار سوگند یاد کرد که انتقام خون کشته شدگان واقعه‌ی المستنصریه را خواهد گرفت و تأکید نمود: «ملت ما آماده است برای دفاع از افتخار و حاکمیت خود و همچنین برای صلح بین مردم عرب بجنگد». وی همچنین به جنگ قادسیه اشاره کرد که در آن امپراطوری ساسانیان

از اعراب شکست خورد.

با زمینه سازی‌ها، تحریکات و تحرکات یاد شده که تنها گوشه‌هایی از آن‌ها بیان شد؛ دولت عراق خود را برای تهاجمی گسترده به ایران آماده ساخت و در پی آن تحرکات وسیعی در مرزهای خود با ایران انجام داد که حکایت از آمادگی تمام عیار برای تهاجمی بزرگ داشت. چند مورد از تحرکات نظامی عراق در طول مرزهای مشترک با ایران برای آمادگی حمله به سرزمین اسلامی ایران را باهم مرور می‌کنیم:

- * جابه‌جایی و استقرار دستگاه‌های زرهی در نوار مرزی.
- * تقویت پاسگاه‌های مرزی.
- * حفر سنگر و ایجاد مواضع در نوار مرزی.
- * فعالیت‌های مهندسی و احداث جاده‌های نظامی.
- * تحرکات و جابه‌جایی نیرو.
- * استقرار توپخانه در نزدیکی مرز.
- * انجام شناسایی و عکسبرداری.
- * تجاوزهای هوایی، تیراندازی‌های سبک و سنگین به داخل خاک ایران و ایجاد درگیری‌های مرزی و اعزام گروه‌های گشتی.
- ادامه دارد.....



سیرشناسی توسعه نهاد جهادسازندگی در انقلاب اسلامی ایران

مقدمه

امام خمینی در تاریخ ۲۶ خرداد ماه سال ۱۳۵۸ پس از گذشت چهار ماه از پیروزی انقلاب اسلامی، به منظور آبادانی روستاها بر ضرورت تشکیل «جهاد سازندگی» تاکید نمود. لذا در ۲۷ خرداد ماه همان سال، جهادسازندگی با اهداف رفع محرومیت از روستاها و ایجاد اشتغال و تأمین درآمد کافی در روستاها و رشد و شکوفایی کشاورزی تشکیل گردید.

بنابراین اساسنامه‌ی این نهاد انقلاب اسلامی در ۲۷ شهریور ماه سال ۱۳۵۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. اهداف کلی تشکیل جهادسازندگی (۱) بسیج امکانات و استعدادهای مردم و دولت برای

همکاری در تهیه و اجرای طرح‌های سازندگی.

(۲) تنظیم روش کار.

(۳) مشارکت افراد و گروه‌ها و سازمان‌های داوطلب با بکارگیری مقررات ساده.

(۳) جلب همکاری مردم برای اجرای طرح‌های جهادسازندگی.

البته این وظایف را در سطح محدودتری شوراهای جهادسازندگی استانها و شهرستانها نیز به عهده داشتند.

وظایف جهادسازندگی

(۱) تأکید بر رشد ابعاد معنوی و توسعه‌ی مادی.

(۲) تهیه و تصویب طرح‌های لازم برای پیشبرد کار و همکاری با ادارات در اجرای طرح‌ها تعیین شده.

اعضای شورای عالی جهاد سازندگی

(۱) نخست‌وزیر یا نماینده‌ی دولت.

(۲) نماینده‌ی امام.

(۳) نماینده‌ی شورای انقلاب.

(۴) شش تن از وزرا به انتخاب نخست‌وزیر.

(۵) چهار نماینده‌ی منتخب شورای هماهنگی هر استان.

(۶) دو تن از علما به پیشنهاد نخست‌وزیر و تصویب شورای انقلاب.

جهادسازندگی و دولت موقت

پس از استعفای دولت موقت در اواخر سال ۱۳۵۸، جهادسازندگی زیر نظر شورای انقلاب اسلامی بکار خود ادامه داد، و شهید بهشتی نیز سرپرستی این نهاد انقلابی را برعهده گرفت و با نماینده‌ی رهبری سه تن را برای عضویت در شورای مرکزی انتخاب کردند. بنابراین جهادسازندگی به شکل نظام شورایی فعالیت خود را ادامه داد که هر یک از اعضای آن در رأس حوزه‌ای خاص که شامل: نمایندگی امام، روابط عمومی، امور استان‌ها و هماهنگی کمیته‌ها بود قرار داشتند. بنابراین در سال ۱۳۶۰ اعضای شورای مرکزی به پنج تن افزایش پیدا کرد.

فعالیت جهادسازندگی

سال‌های نخست فعالیت جهادسازندگی در بخشهای خدمت‌رسانی، عمران و آموزش‌های فنی منحصر بود، ولی بر حسب ضرورت جامعه در آن دوران مسئولیت‌های این نهاد انقلاب اسلامی نیز همواره در حال تغییر و تحول و

مسئولیت شورا

(۱) بررسی و تهیه‌ی برنامه‌ها و طرح‌های سازندگی.

(۲) تصویب طرح‌های مناسب.





گسترش در راستای زمینه‌های توسعه یافتگی کشور بود. بنابراین رسیدگی به اموری همچون بهداشت، اشتغال و فرهنگی از مأموریت‌های این نهاد انقلاب اسلامی بود.

کمیته فرهنگی جهاد

تشکیلات «کمیته فرهنگی جهاد» به موازات سایر فعالیت‌های سازندگی، تعلیم و تربیت روستاییان را جهت ارتقا سطح توسعه یافتگی

کشور مدنظر قرار داد. به همین منظور کمیته فرهنگی جهاد در کنار کمیته‌های کشاورزی و عمران از ارکان اصلی جهاد محسوب شد که بیشتر فعالیت‌های آن در زمینه‌های سوادآموزی، آموزش عقیدتی، راه اندازی کتابخانه‌های روستایی، تشکیل شوراهای اسلامی، برگزاری مراسم‌های مذهبی، حل اختلافات روستاییان، تهیه و توزیع نشریات جهاد روستا، تهیه و توزیع انواع فیلم، نوار، پوستر و سایر نرم‌افزارهای آموزشی با محوریت توسعه در روستاهای کشور آغاز گردید.

اهمیت جهادسازندگی

جهادسازندگی تا سال ۱۳۶۲ اگرچه یک نهادی دولتی نبود، ولی با انجام کارهای بی وقفه در امورات زیربنایی و تولیدی، و با اهتمام به تلاش‌های بی‌وقفه‌ی در راه عمران و آبادی کشور باعث شد تا با مشارکت در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور در زمره‌ی ارگان‌های دولتی بعد از انقلاب اسلامی قرار گیرد.

تشکیل وزارت جهادسازندگی

به همین منظور در آذر ماه ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی لایحه‌ی تشکیل وزارت جهادسازندگی را تصویب و از سال ۱۳۶۳ بطور رسمی عهده‌دار وظایف جدیدتری از جمله: نظارت و سرپرستی سازمان امور عشایر (۱۳۶۳)، صنایع روستایی و دستی (۱۳۶۴)، شرکت سهامی شیر (۱۳۶۵)، شیلات و فرش ایران (۱۳۶۶) گردید. بنابراین حرکت به

سوی خودکفایی از طریق توسعه‌ی کشاورزی از اهداف اصلی این وزارتخانه ترسیم گردید. در نتیجه جهادسازندگی از یک نهاد انقلابی به وزارتخانه تبدیل شد و تشکیلات آن به منظور اجرایی شدن هر چه سریعتر راه‌های توسعه یافتگی کشور گسترش یافت، و سیاست‌گذاری‌های آن نیز متمرکز گردید.

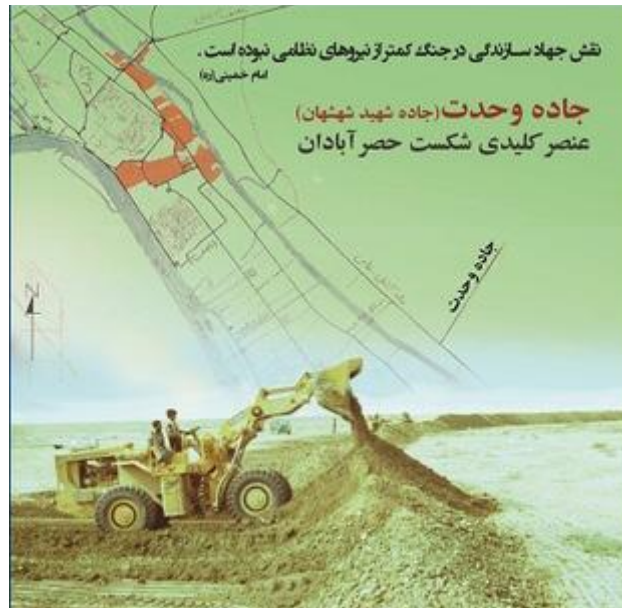
جهادسازندگی و وزارت کشاورزی

پس از تبدیل جهادسازندگی به وزارتخانه، به منظور جلوگیری از تداخل وظایف با وزارت کشاورزی با سایر وزارتخانه‌ها نیز تفکیک وظایف صورت گرفت. لذا در مهرماه ۱۳۶۹ مسئولیت امور دام و منابع طبیعی کشور به دلیل توانمندی و موفقیت در کارهای اجرایی کشور نیز اجرای سیاست‌های عمران روستایی به وزارت جهادسازندگی محول گردید. به همین جهت سیاست‌های جهادسازندگی بر اساس نیاز روستاییان که در قانون صورت گرفته بود، بر حسب تأثیر عوامل جدید مانند افزایش نیروی کار تغییر پیدا می‌کرد.

اعضای شورای مرکزی

با توجه به موقعیت و شرایط جدید، یک‌سال پس از تشکیل این وزارتخانه لایحه‌ی مقررات مالی، اداری و استخدامی آن به تصویب مجلس رسید که بر اساس آن اعضای شورای مرکزی عبارت بودند از: وزیر، نماینده‌ی مقام رهبری و سه عضو دیگر که وزیر از میان معتمدین جهاد انتخاب می‌کرد.

- (۲) ساخت ۲۹۴۴۷ سنگر.
- (۳) راه‌سازی ۱۱۸۴۶ کیلومتر.
- (۴) ساخت ۴۸۰۷ پل.
- (۵) ساخت ۳۵ اسکله.
- (۶) ساخت ۳۰ سد.
- (۷) حفر ۲۱۶ کیلومتر کانال.
- (۸) طراحی و ساخت پل شناور خیبر.



جهاد سازندگی و بازسازی بعد از جنگ

جهاد سازندگی پس از پایان جنگ با تمام امکانات خود به بازسازی مناطق جنگ‌زده پرداخت که از شاخص‌ترین آنها می‌توان به طرح‌های آماده‌سازی شهر جدید قصر شیرین، لوله‌گذاری آب شروب قصر شیرین و لایروبی رودخانه‌ی بهمن شیر اشاره

کرد.

تشکیلات وزارت جهاد سازندگی

وزارت جهاد سازندگی شامل هشت معاونت، سه سازمان و هفت شرکت وابسته دارای معاونت‌های امور دام، ترویج و مشارکت مردمی، عمران و صنایع روستایی، آب‌خیزداری، امور مجلس و حقوقی، آموزش و تحقیقات، طرح و برنامه‌ریزی، و اداری و مالی بود.

معاونت امور اجتماعی

معاونت امور اجتماعی از ادغام «مرکز هماهنگی‌های امور شوراها و بسیج» و «آموزش روستاییان» در چهار بخش: فرهنگی، امور شوراها، اسلامی روستا، بسیج سازندگی و آموزش روستاییان از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ فعالیت داشت. اما پس از تفکیک وظایف وزارتخانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی و با توجه به گستردگی فعالیت‌های آموزشی - ترویجی در معاونت امور اجتماعی، نام آن به معاونت ترویج و مشارکت مردمی، تغییر یافت. بنابراین مهم‌ترین محور این تحول، توسعه‌ی انسانی و توسعه‌ی پایدار با تأکید بر تمرکززدایی و کاهش تصدی‌گری دولت بود. لذا طرح بسیج سازندگی در سال ۱۳۷۵ به منظور بهره‌گیری از توانایی‌های جوانان تحصیل‌کرده در رشته‌ی کشاورزی و نیز تأمین

جهاد سازندگی و دفاع مقدس

با شروع جنگ تحمیلی، فعالیت‌های جهاد سرعت بیشتری یافت، زیرا این جهاد سازندگی بود که با تسریع در کارهای اجرایی کشور، می‌توانست کارهای لجستیکی و پشتیبانی رزمندگان را که عمدتاً تأمین نیروی انسانی از روستاییان بود را تسریع نماید، و در ضمن آن تأمین امنیت غذایی کشور را در آن دوران بحران نیز مدیریت کند. بنابراین جهاد سازندگی به منظور جمع‌آوری، ارسال و توزیع کمک‌های مردمی به جبهه‌ها، «ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی استان و شهرستان» را تشکیل داد، و با چهل گردان مهندسی - رزمی، و چهار قرارگاه عملیاتی و پشتیبانی جنگ در تمامی عملیات‌ها کنار رزمندگان، حضوری مستمر و نقشی فعال داشت.

وظایف جهاد سازندگی در دفاع مقدس

پشتیبانی و امور مهندسی جبهه‌ها، و ازسوی دیگر بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده از وظایف محوله به جهاد سازندگی در طول دوران دفاع مقدس است.

گذری بر عملکرد جهاد سازندگی در دوران

دفاع مقدس

(۱) احداث ۷۴/۲۰۵ کیلومتر خاکریز.

با توجه ضرورت انقلاب اسلامی و بر حسب اقلیم کشور دستاوردهای مهمی داشته است. بنابراین حیطه‌ی عملکرد آن در ضمن وسعت زیست جغرافیایی، دارای عملکرد متنوع در زمینه‌های مختلف بوده است.

دام

جهادسازندگی در بخش دام و طیور توانست با حداقل واردات، محصولات دامی را به خودکفایی برساند. در حالی که تا قبل از قبول این مسئولیت، کشور در سال ۱۳۶۹ واردکننده‌ی ۱۲۸ هزار تن گوشت قرمز، ۴۸۰ هزار تن شیر و ۵۲ هزار تن پنیر بود.

شیلات

جهاد سازندگی به منظور حفظ ذخایر منابع دریایی کشور با جایگزین کردن شیوه‌های مناسب صید نیز پرورش و تولید سالانه ۲۰۰ هزار تن میگو و ماهیان سردابی، و ۷۵۰ هزار تن ماهیان گرمابی را با برنامه‌ریزی انجام داد.

عشایر

وزارت جهاد سازندگی در بخش راهسازی، ساخت مدرسه، جایگاه سوخت، چاه کشاورزی و برق‌رسانی موفق به اجرای بیش از دو هزار پروژه گردید، و با احداث جایگاه‌های توزیع سوخت، از تخریب و بوتنه‌کشی مراتع جلوگیری کرد.

منابع طبیعی

با اجرای طرح ساماندهی خروج دام از جنگل؛ به منظور حفاظت از منابع جنگل‌های شمال ایران، مدیریت، احیا و

نیروی انسانی در بخش ترویج و توسعه‌ی روستایی آغاز گردید و نخستین مرحله‌ی آن در سال ۱۳۷۸ با بکارگیری نیروهای فارغ‌التحصیل در بخش کشاورزی در نظام وظیفه کشور به اجرا درآمد.

جهادسازندگی و مراکز تحقیقاتی

جهادسازندگی به منظور کیفیت در کارایی و برقراری ارتباط بین فعالیت‌های اجرایی با مراکز تحقیقاتی اقدام به راه‌اندازی شش مؤسسه‌ی تحقیقاتی مادر در سازمان جنگل و مرتع، دامپروری، موسسه رازی، سازمان شیلات و آبخیزداری و مهندسی) کرد. در نتیجه تولید واکسن‌های پزشکی و دامپزشکی را از ۱/۵ میلیارد در روز (سال ۱۳۶۹) به ۳/۸ میلیارد (سال ۱۳۷۷) افزایش داد، بطوری که برای نخستین مرتبه فناوری ساخت و صادرات واکسن در کشور، سال ۱۳۷۷ انجام گرفت.

اطلاع‌رسانی و خدمات علمی جهادسازندگی

مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات علمی جهادسازندگی به عنوان اولین مرکز اطلاع‌رسانی علمی کشور در سال ۱۳۷۲ تأسیس شد. لذا با راه‌اندازی سرویس اطلاعات علمی و سازماندهی متمرکز نشریات خارجی، موفق به کسب جایزه‌ی رتبه‌ی یک کشوری و بین‌المللی گردید. در نتیجه مؤسسه‌ی آموزش عالی علمی - کاربردی جهادسازندگی با تربیت ده هزار

نیروی متخصص از سطح کاردانی تا دکتری به عنوان الگوی جدیدی در نظام آموزشی کشور شکل گرفت و معرفی شد.

تنوع در عملکرد بر حسب اقلیم

جهادسازندگی در دوران فعالیت خود



غنی‌سازی جنگل‌های دیگر کشور، اجرای طرح ملی تعاون دام و مرتع، توسعه‌ی فضای سبز و جنگل‌کاری در همه‌ی نقاط کشور و ایجاد کمربندهای سبز حفاظتی اقدامات مفیدی انجام داده است.

جهادسازندگی در فراسوی مرزها

جهادسازندگی در کنار محرومیت‌دایی در مناطق مختلف کشور نیز به سیاست‌گذاری کمک مناطق محروم در دیگر کشورهای مسلمان را از دیگر اهداف مدیریت جهادی در فراسوی مرزها قرار داد. این هدف بعد از دیدار آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۶۴ از چند کشور آفریقایی انجام گرفت. به همین منظور جهادسازندگی مأموریت یافت تا در کشور تانزانیا طرح‌های توسعه‌ی روستایی را اجرا نماید. لذا با توجه به کسب تجارب نیز حیطه‌ی فعالیتها و عملکرد آن به کشورهای سیرالئون، غنا و لبنان گسترش یافت و دفاتر جهادسازندگی در این کشورها تأسیس گردیدند. در نتیجه اجرای پروژه‌های کشت آبی و دیم، تهیه و توزیع ادوات صیادی، آموزش روستاییان و کشاورزان، ارائه‌ی خدمات و احداث مراکز درمانی، ساخت دبیرستان و فروشگاه‌های عرضه‌ی محصولات کشاورزی از جمله فعالیت‌های جهاد سازندگی در کشورها مذکور بوده است.

ادغام وزارتین

موازی کاری، همپوشانی و ناهماهنگی در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های وزارتخانه‌های جهادسازندگی و کشاورزی موجب شد تا با ادغام این دو وزارتخانه گامی جهت بهبود وضعیت بخش کشاورزی باشد. به همین جهت دولت با لایحه‌ای به مجلس، خواستار تمرکز امور کشاورزی، دام، عمران و توسعه‌ی روستایی توسط یک وزارتخانه شد. لذا در دی ماه سال ۱۳۷۹ وزارت جهاد کشاورزی جایگزین دو وزارت کشاورزی و جهادسازندگی گردید.

منابع:

(۱) ایران. قوانین و احکام، مجموعه قوانین و مقررات جهادسازندگی، تهیه و تدوین محمد علی مرادی‌بنی و جواد افشاری ابهری، تهران ۱۳۷۶ ش؛

(۲) ایران. وزارت جهادسازندگی، «تشکیلات جدید وزارت جهادسازندگی»، جهاد، ش ۱۶۱ (خرداد ۱۳۷۲ الف)؛
(۳) همو، «گزارشی از عملکرد جهادسازندگی: ۱۴ سال با مردم، ۱۴ سال تلاش و سازندگی»، جهاد، ش ۱۶۱ (خرداد ۱۳۷۲ ب)؛

(۴) همو، «لایحه مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلات جهاد سازندگی، جهاد، ش ۸۱ (آذر ۱۳۶۴)؛
(۵) ایران. وزارت جهادسازندگی. معاونت طرح و برنامه ریزی، «دستاوردهای وزارت جهاد سازندگی»، جهاد، ش ۲۳۰-۲۳۱ (تیر و مرداد ۱۳۷۹)؛
(۶) محمد جواد ایروانی، نهادگرایی و جهادسازندگی، تهران ۱۳۷۸ ش؛

(۷) برزگر، ش ۸۳۳ (دی ۱۳۷۹)؛
(۸) ۲۰ سال تلاش برای سازندگی: نگاهی به عملکرد و دستاوردهای ۲۰ ساله جهاد سازندگی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری شقایق روستا، ۱۳۷۹ ش؛

(۹) علی خزاعی، «تغییر نیاز روستاها و ضرورت تحول در سیاست‌های جهادسازندگی»، جهاد، ش ۲۳۴-۲۳۵ (آبان و آذر ۱۳۷۹)؛

(۱۰) روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، صحیفه نور، ج ۴، تهران ۱۳۷۱ ش؛

(۱۱) علی‌اصغر میرزایی، «ارزیابی الگو و عملکرد ترویج در وزارت جهاد سازندگی (سابق)»، جهاد، ش ۲۴۰-۲۴۱ (تیر و مرداد ۱۳۸۰).

جواد زرگروفا

سواد رسانه ای لازمه جهاد تبیین

بخش پنجم

راتضمین نمیکنند بلکه تنها فرد را توانمند می کند. هرچه مردم تجربه بیشتری داشته باشند مفاهیم مرتبط بیشتری خواهند داشت تا در فرآیند پردازش پیام های تازه به کار گیرند. افرادی که اطلاعات بیشتری دارند، از رسانه ها بیشتر

در ادامه مباحث قبل چارچوب سواد رسانه ای را تشریح میکنیم. چارچوب سواد رسانه ای از ترکیب پنج دانش یا شناخت ساخته می شود. این پنج شناخت عبارتند از: شناخت محتوای رسانه ها، صنایع رسانه ای، تأثیرات رسانه ها، اطلاعات جهان واقعی، خویشتن. هرچه اطلاعات مردم در این حوزه دقیق تر و استادانه تر پی ریزی شده باشد، برای داشتن سواد رسانه، تواناترند. البته این اطلاعات چیزی

می آموزند .

اگر مخاطبان درباره موضوع خاصی اطلاعات فراوان داشته باشند، ساختار دانش آنان بسیار گسترده و توانمند خواهد بود. آنان معمولاً برای دریافت اطلاعات بیشتر درباره موضوعات گوناگون با انگیزه اند و در این راستا رسانه هایی را می جویند که این اطلاعات را به آنان ارائه دهند. اگر با پیام تازه ای درباره یک موضوع رو به رو شوند، می توانند اطلاعات درون آن را فوری و به درستی به دانسته های خود بیافزایند. در این مطلب ماهیت این بخش اول یعنی محتوای رسانه را بیان خواهیم کرد :

۱. محتوای رسانه

برای شناخت خوب و درست محتوای رسانه ها به اطلاعات زیر نیازمندیم :

الف - شکل محتوا

شکل های استاندارد برای پیام ها وجود دارد؛ بدین معنا که یا اخبارند، یا پیام های بازرگانی و یا سرگرمی های خیالی اند. هر یک از این سه محتوا از شکل و قواعد خود پیروی میکند. برای نمونه بسیاری از گزارش های خبری بر اساس مدل هرم وارونه اند که در آن مهم ترین موضوعات (چه کسی، چه چیزی، کی، کجا، و چرا) در ابتدای گزارش، و اطلاعات کم ارزش تر در پی می آید. معمولاً پیام های

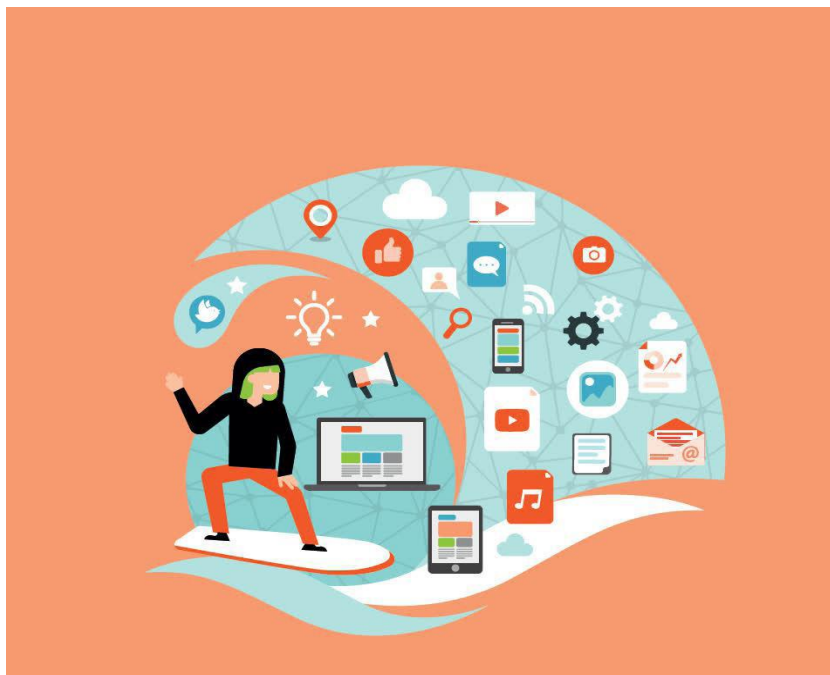
بازرگانی از یک قاعده حل مشکل پیروی میکند. داستان ها خیالی سرگرم کننده نیز بیشتر از اصل رویداد آفرینی، تضاد تشدید شده، به اوج رسانی هیجان، و پایان نمایی، پیروی میکند .

هرگونه محتوا می تواند متفاوت از دیگری باشد. برای نمونه، جایگزین های یک برنامه خبری میتواند مصاحبه های پرسش و پاسخ، مناظره های انتخاباتی، و یا داستان های جالب باشد. برای پیام های بازرگانی شکل های دیگری هست از جمله عبارات خنده دار، عرضه فراوان کالا و روش موزائیکی (ارائه تصاویر احساس برانگیز از محصول) مخاطب با شناخت خوب این گونه محتواهای رسانه ای آن ها را آسان تر می تواند دریافت کند هم چنین معیاری می دهد تا بر اساس آن بتواند درباره نوآوری سازندگان پیام داوری کند.

ب- نمونه مجموعه ها

ما می توانیم رسانه و محتوای آن را به عنوان دو عنصر مجزای روایتی منحصر به فرد و تولید کننده تجربه کنیم یا اینکه نگران عامه مردم و الگوهای باشیم که توجه مان را به تصویر بزرگ راهنمایی میکند. یک راه برای دیدن تصویر بزرگ این است که آن را از راه استقرا برای خود بسازیم اما این الگوها چه به واسطه پیام های رسانه ای به دست می





آیند این الگوها اغلب ناقص هستند زیرا معمولاً مخاطبان خود با همه پیام‌های رسانه‌ای رو در رو نمی‌شوند همچنین دو نمونه‌ای که بیانگر همه پیام‌های رسانه‌ای باشد و یا حتی نمایانگر گروه خاصی باشد رویارو نمیشوند بنابراین هرگونه تعمیمی ناقص خواهد بود. ما باید نمونه محتواهای رسانه‌ای را بشناسیم تا الگوی ادراک مان را واریسی کنیم برای نمونه پیش از اینکه بتوانیم یک باور

و حتی خشن حل می‌شود. همچنین محتوای ارائه شده در رسانه‌های جمعی، زندگی را آسان میکند. شخصیت‌ها آشکارا به خوب و بد تقسیم می‌شوند؛ شخصیت‌های خاکستری بسیار اندک‌اند. بسیاری از مسائل تنها به گونه‌ای دو وجهی نشان داده میشوند. افزون بر این، محتواها در هیجان تمرکز دارند.

آنان سر و ته روایت را می‌زنند تا تنها جالب‌ترین رویدادها را در داستان نشان دهند. بنابراین موضوعات سرگرم‌کننده این گونه چارچوب بندی می‌شوند: زندگی باید بسیار هیجان‌انگیز باشد، با یک گام سریع و هدایت شود؛ زندگی شرایط متناقض فراوانی را پیش رو می‌نهد، و شما در این گیرودار باید توانمند بوده و برای پیروزی، سخت بجنگید.

انتقادی سودمند داشته باشیم باید بدانیم واقعاً چه حجمی از خشونت در تلویزیون پخش می‌شود باید بدانیم آیا مردان بیشتر از نقش‌های مهم رسانه‌ای را به عهده دارند یا زنان. باید الگوهای خوردن، تمرین، و رفتارهای مرتبط با بهداشت و سلامت را بشناسیم.

ب- ارزش‌های درون محتوا

در همه پیام‌های رسانه‌ای ارزش‌ها چارچوب بندی میشود ما باید نسبت به چیستی این ارزش‌ها حساس باشیم. برای نمونه حتی روزنامه‌نگارانی که خود را بسیار بی طرف و واقع‌گرا را نشان میدهند، تصویری گزینشی و سوگیرانه از جهان ارائه می‌کنند. بسیاری از رویدادها و اشخاص هرگز زیر پوشش خبری آنان نیست، و این سوگیری نشان می‌دهد که در چارچوب فرهنگ آنان چه چیزی مهم است. همه آگهی‌های بازرگانی درباره مصرف‌اند: همواره چیزی هست که می‌توانیم بخریم تا هر مشکلی را فوری حل کنیم. مصرف‌گرایی چیز خوبی است. محصولات نو بهتر از محصولات کهنه‌اند.

در رابطه با موضوعات سرگرم‌کننده محتوایی که ارائه می‌شود، تضاد و چگونگی حل آن را نشان میدهد. معمولاً در فرهنگ آمریکا تضاد از راه رقابت و اغلب با ابزار تهاجمی

صادق صدقگو

منشور نرم افزاری جهاد سازندگی در تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور

«شما عزیزان با خدمات شایسته خود در پشت جبهه ها، چون جبهه ها، دل امام زمان - روحی له الفداء - را شاد کرده اید.»^۱
کلامی بی سابقه و ماندگار از حضرت امام(ره) که تاکنون برای نهاد و ارگان، قشر و صنف دیگری صادر نشده است. این جملات پایانی از آخرین پیام امام امت(ره) به جهادگران، ترسیم راهی روشن برای آیندگان و همچنین نشان دهنده افق فکری بنیانگذار جمهوری اسلامی است. مسیری که با لزوم و ضرورت توسل به مردم برای حل مشکلات کشور آغاز شده و چشم امید آن رهبر فقید و فرزانه را به فعالیتهای «جهادی» معطوف می کند. فعالیتهایی که تشریح و ترسیم آن در قالب الفاظ نمی گنجد و استقامت و استحکام پایه های اسلام ناب محمدی(ص) نیز در گرو وسعت دامنه گذشت و ایثار مردان و زنان جهاد تفسیر و تعبیر بود.^۲

جهاد به معنای تلاش جدی است اما واژه «جهاد» که در اسلام مطرح و بر آن نیز تأکید شده است، بیان کننده نوعی تلاش و کوشش و به معنای بهتر مقابله جدی در برابر دشمنان است که نمونه برجسته آن جهاد نظامی و حضور در میدان رزم است. در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز با عنایت به اهمیت موضوع و همچنین ضرورت حضوری یکپارچه، همه جانبه و تعیین کننده، از سوی قاطبه ملت خصوصاً نخبگان جامعه، عنوان «جهاد» به کار می رود... در ماه‌های اخیر، «جهاد تبیین» به عنوان فریضه‌ای قطعی و فوری در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بارها مورد تأکید و اشاره قرار گرفته و ابعاد مختلف آن نیز توسط ایشان توصیف شده است.^۳

اگر خاستگاه و تجلی‌گاه همه حرکت‌های اثرگذار و اقدامات خودجوش «جهادی» را نهاد «جهاد سازندگی» بدانیم، سرچشمه آن در پیام تاریخی حضرت امام (ره) در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ است. ۴ سرچشمه‌ای که با تدبیر برجسته و ماندگار امام خمینی (ره) «شجره طیبه‌ای» ۵ را پدید آورد که افتخارات بزرگی در زمینه تقویت امنیت غذایی کشور «به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های شاخص در امنیت ملی» تا بنیان‌گذاری خودکفایی در عرصه صنایع دفاعی (صنعت موشکی، خودروهای زرهی و نفربر، کشتی و زیردریایی و...) را با تکیه بر ایمان و اراده جهادگران آفرید.

فرمان امام امت مبنی بر لزوم تشکیل «جهاد سازندگی» و سخنان مقام معظم رهبری مبنی بر ضرورت «جهاد تبیین» بر یک مبنا و در یک راستا یا به تعبیری دیگر دو روی یک سکه هستند که هر کدام در مقطعی سرنوشت ساز، نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی ایجاد کردند. سخنانی دوراندیشانه و آینده‌نگر که مقدمه و مقومه‌ای برای سازماندهی نیروها جهت سامان بخشی به وضع موجود شد تا با رویکرد مردم محوری، رویدادهایی را برای تحول و توسعه رقم بزند.

در این میان، آنچه که می‌تواند نقش مهمی در شناخت بهتر محتوا و مفهوم «جهاد تبیین» ایفا کند و ترسیم مختصات اجتماعی و چهارچوب فرهنگی آن را برای جامعه امروز تسهیل نماید، تبیین «جهاد سازندگی» و تشریح

اقدامات و ابتکاراتش در «جبهه فرهنگ» برای نسل نو است. به عبارت دیگر، بررسی اقدامات جهاد سازندگی در عرصه فرهنگی-اجتماعی (خصوصاً در دهه نخست فعالیت) و به تعبیر بهتر نگاهی به «مهندسی فرهنگی» در جهاد سازندگی، گام نخست در فهم دقیق و درک عمیق از زوایای پیدا و پنهان این حرکت اثرگذار و ماندگار است. جوانان جهاد سازندگی، در عرصه فرهنگی نیز همچون مهندسی-رزمی جنگ با تکیه بر خودباوری و نوآوری، خوش درخشیدند و با تولید و نشر محتوای فرهنگی در قالب‌های دیداری، شنیداری، نوشتاری و محیطی نه تنها پیشتاز و طلایه دار عرصه مجاهدت فرهنگی بودند، بلکه پایه گذار جریانی فکری-فرهنگی در راستای مهندسی نرم اجتماعی شدند.

برنامه‌ریزی راهبردی، خطمشی گذاری صحیح و سیاستگذاری فرهنگی به منظور حرکت‌های آوندی و پدافندی رسانه‌ای جهت دفع یا مقابله با هجمه رسانه‌های کشورهای متخاصم (خصوصاً در دوران هشت سال دفاع مقدس) و نهایتاً ایجاد سرمایه عظیم اجتماعی، اقدام بسیار مهمی بود که در عرصه مهندسی فرهنگی توسط جهاد سازندگی رقم خورد.

دو هفته نامه جهاد، ماهنامه صالحین روستا، مجله جهاد سازندگی، ماهنامه جهاد روستا، ماهنامه انصار، رادیو جهاد، گروه تلویزیونی جهاد سازندگی و ده‌ها نشریه فرهنگی داخلی، منطقه‌ای و محلی دیگر، در کنار فعالیتهای کمیته‌های فرهنگی و روابط عمومی جهاد سازندگی (خصوصاً استفاده از رسانه‌های شفاهی مثل: خطابه و سخنرانی) ظرفیت عظیمی بود که به صحنه آمد و بازوی توانمندی برای جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی شد و با اثرگذاری بر جامعه و مدیریت افکار عمومی، جریان سازی فرهنگی در داخل و حتی بعضاً خارج از کشور را بر عهده گرفت.

این تخصص و توانمندی جهاد سازندگی و لزوم تقویت و بهره‌گیری از آن، در آخرین پیام امام امت (ره) خطاب به جهادگران نیز اشاره شده است. امام خمینی با آینده‌نگری و دوراندیشی، نوعی خطمشی گذاری فرهنگی را نه تنها برای جهادگران تعیین نمودند بلکه آنان که روحیه جهادی و

۳- سخنرانی مقام معظم رهبری در پایان مراسم اربعین:
۱۴۰۰/۷/۵

۴- صحیفه امام(ره)، ج ۸، صص ۱۷۹ و ۱۸۰
۵- اشاره به بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از جهادگران جهاد سازندگی ۱۳۷۷/۷/۱۵: جهاد سازندگی، یادگار ارزنده امام بزرگوار ماست و حقیقتاً شجره طیبه ای است که به دست با برکت امام بزرگوار، غرس شد و رشد کرد و میوه داد و کشور و ملت را در مراحل مختلف بهره‌مند نمود. ۶- صحیفه امام(ره) ج ۲۱، ص ۲۰۴

۷- اشاره به بیانات مقام معظم رهبری در پایان مراسم اربعین: ۱۴۰۰/۷/۵: تبیین اساس کار ما است. ما با ذهنها و دلها مواجهیم؛ باید دلها قانع بشود... جوانهای ما امروز بحمدالله مجهزند؛ مجهز به فکر، مجهز به عقلانیت، مجهز به آگاهی‌های فراوان، و میتوانند در این زمینه‌ها خیلی تلاش کنند. خودتان را آماده کنید، این تجهیزات را در خودتان افزایش بدهید.



تفکری برخاسته از این روحیه را دارند، به این سو رهنمون ساختند:

«فرزندان عزیز جهادی‌ام به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - است. اسلامی که غرب، و در رأس آن امریکای جهانخوار، و شرق و در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچمداران آن پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و دشمنان آن ملحدان و کافران و سرمایه داران و پول پرستانند. اسلامی که طرفداران واقعی آن همیشه از مال و قدرت بی‌بهره بوده‌اند؛ و دشمنان حقیقی آن زراندوزان حيله‌گر و قدرت مداران بازیگر و مقدس نمایان بی‌هنزند.» ۶

در این راستا، امروز نیز با حرکت بر محور این راهبرد مدنظر حضرت امام(ره) و بهره‌گیری از تجارب و تدابیر جهاد سازندگی در عرصه فرهنگی، می‌تواند بار دیگر پتانسیل لایه‌های مختلف اجتماع را به منصفه بروز و ظهور برساند و دغدغه‌های دلسوزان را کاهش دهد.

اگر جوانان جهاد سازندگی طی قریب به دو دهه با تدوین استراتژی‌های تولید و نشر محتوای فرهنگی، افتخارات بزرگ و ماندگاری در عرصه مجاهدت فرهنگی ثبت و ضبط نمودند، جوانان امروز نیز می‌توانند با بهره‌گیری و الگوگیری از آن تدابیر و تجارب ارزنده، جهاد نوینی را رقم بزنند. جهادی که بار دیگر لایه‌های مختلف جامعه را به صحنه مسئولیت‌پذیری اجتماعی آورده و و رودخانه‌های پاک و زلال همدلی و همراهی، یکرنگی و یکدلی را در کشور جاری و ساری بسازد. رودخانه‌ای از جنس فرهنگ که بستر آن «همه با هم» است و جاری شدن آن، روح تازه‌ای در کالبد جامعه می‌دمد.

جهادی نرم افزاری که همچون سالهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی، از جنس روشنگری و امیدآفرینی باشد که با ذهنها و دلها مواجه است و از این رو، نیازمند آگاهی و عقلانیت است. ۷

پی‌نوشت:

۱- صحیفه امام(ره)، ج ۲۱- ص ۲۰۴

۲- همان، صص ۲۰۴ و ۲۰۵

تجربه های کار جمعی در جهاد سازندگی به روایت حسینعلی عظیمی

علی مشایخی - محمدرضا حسینی

کتاب رسم جهاد ۱ بخش ششم

کتاب رسم جهاد ۱ که اکنون چاپ ششم آن روانه بازار کتاب شده است، در شهریورماه سال جاری حائز رتبه دوم جایزه روایت پیشرفت شد. ماجرای این کتاب از یک سوال شروع شد «در جهاد چگونه با هم کار میگردیم؟» این سوال را سال ۹۲ از مرحوم مهندس حسینعلی عظیمی پرسیدیم و ایشان گویی که کاملاً به این سوال فکر کرده بود و منتظر بود کسی بیاید و بپرسد، به دقت و به تفصیل در طی جلساتی به این سوال پاسخ داد. حاصل پیاده سازی و ویرایش و تدوین آن پاسخ، کتابی است که قصد داریم بخش هایی از آن را در نشریه سنگر سازان بی سنگر در طی چند شماره، منتشر کنیم. منتظر نظرات، پیشنهادها و دیدگاه های تمام مشتاقان، صاحبان اندیشه و پیشکسوتان عرصه جهاد فرهنگی هستیم.

اعتماد

اعتماد بین نیروهای جهاد

در محیط جهاد مانند سپاه، اعتماد عجیبی بین برادران وجود داشت. از طرفی این باور وجود داشت که حرفی که این فرد می گوید در پس آن نیت شخصی و هوای نفسانی نیست. از طرف دیگر اگر یک نفر از نیروهای جهاد، برادرش را به جهاد می آورد، آدم خیلی خوبی هم بود، خجالت می کشید بگوید این کار را به برادرم بدهید یا خودش یک امکانی را به او بدهد. اصلاً این فرد از انجام این کار کراهت داشت که خدای نکرده متهم نشود؛ «إجتنبوا من مواضع التهم». به فامیلش می گفت «من اگر در این کمیته هستم، تو جای دیگری برو، چون شاید فکر کنند من به خاطر قوم و خویشی، تو را اینجا آوردم». این قدر رعایت مسائل

شرعی بود که مسائل نفسانی بر تصمیمگیریهای نیروهای جهاد حاکم نشود. محیط هم خیلی پاک بود و جمع بچه‌های مخلص و از خود گذشته آنجا بودند.

مشخص شدن سریع سوء استفاده

البته آدم‌های قائلانی هم بودند که چون می‌دیدند پول دست جهاد است، می‌گفتند من اگر برای اینجا خرید کنم، از ده مغازه که بخرم ده تا کادو هم به من می‌دهند. اگر یک مأمور خرید این چینی در جهاد می‌آمد و می‌خواست سوء استفاده کند، وضعیتش سریع در بین نیروهای جهاد مشخص می‌شد. ما به این آدم می‌گفتیم «گوشت تو شله زرد»، مثل گوشت داخل شله زرد بود که زود مشخص می‌شود. یا اینکه اگر یک نفر وسیله‌ای از جهاد به خانهاش می‌برد و از آن استفاده شخصی می‌کرد، همه نیروهای جهاد می‌فهمیدند و آبرویش می‌رفت. می‌گفتند او قابل اعتماد نیست و از جهاد اخراجش می‌کردند؛ بنابراین محیط پاک می‌ماند. سیستم بازرسی اینگونه بود، همه مراقب یکدیگر بودند تا فردی از نیروهای جهاد گناهی نکند. می‌گفتند جهاد وابسته به امام است و در صورت تخلف نیروهای جهاد، آبروی امام می‌رود و آبروی امام هم آبروی اسلام است. در ادارات می‌گویند آبروی دولت می‌رود و دولت هم چهار سال دیگر عوض می‌شود. بچه‌های جهاد خود را از طرف امام مأمور می‌دانستند. جهاد که وزارتخانه شد، این رابطه معنوی قطع شد و جهاد هم دولتی شد.

بالاخره نباید تفاوت زیادی با بقیه داشته باشد. در غیر این صورت، شخصی که وارد جهاد می‌شود می‌بیند اینجا شغل و درآمد خوبی دارد و شروع می‌کند به تخریب شخصی که مقام بالاتری دارد تا جای او را بگیرد؛ و این به تدریج یک رویه می‌شد.

مبنای تفاوت حقوق در جهاد این بود که چه کسی درسخوانده‌تر است، یا سابقه‌اش بیشتر است و اینکه چه کسی بچه‌دارتر و عیالوارتر است. حقوق نیروهای بالای جهاد و نیروهای پایینی خیلی نزدیک به هم بود و تفاوت چشمگیری نداشت. در سالهای آخر که این تفاوت زیاد شده بود، می‌دیدیم گرفتن پست و مقام در جهاد خیلی مهم شده و برخی افراد می‌خواستند پست خود را نگه دارند. ولی روی هم رفته در سالهای اول حقوق نیروهای جهاد نصف نیروهای ادارات هم نبود.

کسی که وارد جهاد می‌شد، فوراً برای او حقوق و مزایا وضع نمی‌کردند. بایستی چند ماهی مجانی در جهاد کار می‌کرد، آن هم کار عاشقانه؛ تا به تدریج بقیه نیروهای جهاد متوجه اخلاص و لزوم حضور این فرد در جهاد می‌شدند. تا اینکه اگر روزی این فرد می‌گفت، می‌خواهم از جهاد بروم، نیروهای جهاد می‌گفتند «اگر تو بروی این کار تعطیل می‌شود و بر زمین می‌ماند» و آن فرد می‌گفت «می‌خواهم دنبال زندگیم بروم، بالأخره باید نانی بخوریم و ... می‌خواهم ازدواج کنم»، فوری در شورای مرکزی مطرح می‌شد که برای این فرد حقوق بگذارند. تازه برای این آدم حقوق می‌گذاشتند تا برود

مبنای تفاوت‌های حقوق در جهاد

ما اصلی در جهاد داشتیم که هنگام انتخاب پروژه‌های بزرگ به دردمان می‌خورد. بدین ترتیب که حقوق نیروهای جهادی بایستی کمتر از نیروهای غیر جهادی در بیرون باشد و همچنین حقوق مسئولین



تفویض اختیار بر اثر اعتماد، و تدین و تقوا

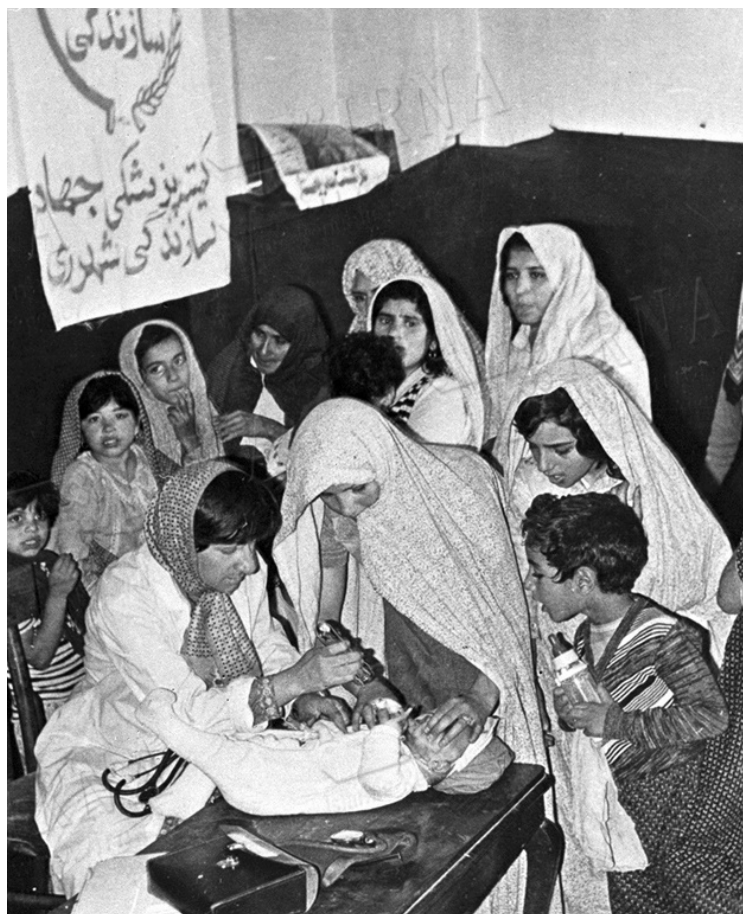
چند سال پیش مسئول یکی از سازمان‌ها می‌خواست انقلابی کار بکند، به من گفت «من می‌خواهم جهادی کار کنم»، گفتم «چند تا واحد داری؟» گفت «فرض کن بیست مجموعه کارگاه دارم»، گفتم «تمام اختیارات مدیرعاملیات را به مسئولین آن بیست کارگاه بده؛ این حداقل در قسمتی از ساختار شبیه جهاد می‌شود. هر قراردادی این کارگاه‌ها بستند، مثل این است که امضای شما است. هر پرداختی کردند، هر دستوری دادند مثل این است که از طرف شما بوده است؛ و الا در اتاقت دویست نامه است که هر روز باید آنها را ببینی و به کارشناسان بدهی تا رسیدگی کنند. باید به مدیران خودت اعتماد کنی». کار جهادی را در دستگاهی می‌شود انجام داد که سازمان به همه نیروهایش اعتماد داشته باشد. این اعتماد در اثر تدین و تقوا به وجود می‌آید و نه در اثر پست اداری. شما چطور اعتماد می‌کنی که همه اختیارات خودت را به برادرت بدهی؟ می‌بینی صداقت دارد، به

او می‌گویی «در آنجایی که نمیدانی، قول بده با من مشورت کنی». اگر به قولش اعتماد داشته باشی، اختیارات را به او می‌دهی. بنابراین باید اعتماد وجود داشته باشد تا این تفویض اختیارات انجام شود. در جهاد، انگیزه‌ها خدایی بود و قاطبه بچه‌ها با تقوا بودند، غیبت نمیکردند یا دروغ نمیگفتند و به مال جهاد نیز خیانت نمیکردند. این اعتماد متقابل فراوان بود لذا تفویض اختیار راحت‌تر صورت می‌گرفت.

در شهرستان‌ها آن کسی که مسئولیت داشت، مدعی بود؛ چون که برای خدا خدمت می‌کرد بدهکار کسی نبود، بلکه طلبکار هم بود. او را در پستی نگذاشته بودند و حقوق بالایی هم به او نمیدادند. در نتیجه، اگر یک ذره از گل نازک‌تر به او می‌گفتند که «چون من شورای مرکزیام هر چه می‌گویم باید انجام بدهی»، آن

زن بگیرد. نمونه‌های نرم‌تر و خشک‌تر از این هم وجود داشت ولی جو آن زمان همین بود.

به خاطر دارم شهید زندینژاد اصرار داشت از جهاد به جبهه برود، مسئولیتی هم بر دوشش بود و اصلاً برایش مهم نبود. آدمی هم نداشتیم که جایگزین کنیم، نهایتاً رفت و شهید هم شد. پست و مقام برای نیروهای جهاد خیلی مهم نبود و حتی دریافت یا عدم دریافت حقوق برای این افراد اهمیتی نداشت. این حالت در محیط‌هایی که همه مذهبی باشند به وجود می‌آید. در محیطی که یک آدم خوب باشد و بقیه افراد معمولی - نه حتی بد- باشند، اینطور روابطی را نمیشود برقرار کرد. بعضی وقت‌ها از این اعتماد به اشخاص، گرفتاری‌هایی هم درست می‌شود. ما در جنگ از این قبیل افراد هم داشتیم، کسانی که می‌دیدند محیط خیلی باز است و برای مقاصدی که دارند مثلاً سوء استفاده از بیت‌المال، اینجا بهترین مکان است. بچه‌ها دنبال گرفتن اینها هم بودند که این تیپ افراد را از جهاد بیرون کنند.





با تقوا می‌شدند، به آنها اعتماد می‌شد. وقتی می‌گفت فلان مقدار خرج کرده‌ام می‌گفتیم حتماً دو برابر خرج کرده است، و نمی‌گفتیم که گران خریده و زدوبند کرده و رشوه گرفته است. حداکثر این بود که می‌گفتیم این فرد ناشیگری کرده است و نتوانسته بیشتر چانه‌زنی کند، سر به سرش نمی‌گذاشتند و دعوایش نمی‌کردند.

تأثیر حسابداریها بر بروکراسی جهاد

یک بحثی که در ساختار مطرح است بحث نظام مالی است؛ از دلایل مهم بروکراسی‌های دولتی، نظام مکاتبات اداری و مالی است. آنطور که من در جهاد استان‌ها مشاهده کردم، اگر کسی که کار حسابداری کرده بود مسئول می‌شد، بروکراسی هم زیاد می‌شد. می‌گفت فاکتور و رسید بیاورید؛ این یعنی اصل عدم اعتماد. حال آنکه قانون اساسی می‌گوید اصل بر براءت است مگر خلافش ثابت شود. وقتی می‌گوییم فاکتور بیاور یعنی من به تو اعتماد ندارم و این چیزی که نوشته‌های دروغ است، این توهین به یک نفر است. در جهادهایی که سلامت بیشتری داشتند و موفق بودند، اعتبار صورت هزینه به امضای هزینه کننده بود؛ و خریدهایی هم که رقم بالایی داشت نیم صفحه قراردادی می‌نوشتند و یا یک فاکتور می‌گرفتند. این فاکتورها هم بیشتر به این خاطر بود که بچه‌ها بدانند چه قدر خرج کرده‌اند و حسابشان را گم

فرد می‌گفت که «خوب، بیا و خودت اجرا بکن، خداحافظ». به یک شهرستان یا استان دیگر می‌رفت. بچه‌ها از تهران به سیستان و بلوچستان می‌رفتند. چرا؟ برای اینکه این افراد برای خدا آمده بودند، برای پست و مقام نیامده بودند که لازم باشد کرنش این فرد را بکنند و یا مجیز آن فرد را بگویند؛ نه، اینطور نبود.

اعتماد، نتیجه تقوای نیروهای جهاد

یک جهادی اگر خودش می‌خواست و از روستا به شهر می‌رفت، ممکن بود مدیر اداره کشاورزی بشود و حقوقش هم خیلی بیشتر می‌بود؛ وقتی این فرد در روستا با ایثار کار می‌کند، باید به او اعتماد کرد. در جهاد همه داوطلب و عاشق کار بودند، محیط هم معنوی بود و نیروها کار خود را جهاد در راه خدا می‌دانستند، خدا هم به کار آنها برکت می‌داد. برکتش این بود که اخلاق آنها بهتر و تقوای آنها بیشتر می‌شد. وقتی هم تقوا بیشتر شود، مرتب فضایل دیگر از آن زاینده می‌شود، به خصوص برای کسی که عمل می‌کند نه کسی که فقط تقوا دارد و وجودش خاصیتی برای دیگران ندارد. خدا برای خدمت به مردم جایزه می‌دهد و جایزه‌اش این است که تقوا، ایمان و دانش شما را بیشتر می‌کند، صداقت و اخلاص شما بالا می‌رود و تکبر و حسادت شما کم می‌شود. چون بچه‌ها

نکند و پول کم نیاورند؛ که هم‌هشان هم کم می‌آوردند! در جهاد اصل بر اعتماد و برائت بود ولی سیستم اداری می‌گوید هر خرجی که انجام می‌دهی باید فاکتور را بیاوری، یعنی یک نفر دیگر باید بگوید که من این مبلغ را از ایشان گرفتم؛ به آن شخص دیگر اعتماد دارند ولی به آدم خودشان که گزینش هم شده است، نه! اصلاً ممکن است فاکتور ساختگی باشد ولی سیستم اداری می‌پذیرد. به این می‌گویند فساد بروکراتیک. در جهاد، نیرو می‌گفت من این مبلغ را دادم، اگر آن فرد می‌گفت من نگرفتم دعواش می‌کردند؛ چون داشت به نیروی آنها تهمت می‌زد و معلوم بود دروغ می‌گوید. می‌گفتند اگر این نیرو می‌خواست یک پول کمی را بدزد که اصلاً وارد جهاد نمی‌شد.

در جهاد، جایی که نظام مالی و اداری قوی حاکم نبود و مهندس اجرایی قویتر عمل می‌کرد سرعت کار بیشتر بود. شاید ظاهراً فکر می‌شد چون فشار مالی زیادی روی آنها نیست مقداری خرج کار بیشتر است، در عوض می‌دیدیم این جهاد چهار برابر بیشتر کار می‌کند و وقت نیروها که گرانترین سرمایه است تلف نمی‌شود. معمولاً حسابدارها به این موضوعات فکر نمی‌کنند و می‌گویند برو فاکتور بیاور. فرض کنیم امروز ارزش یک مهندس خوب ماهی سه

میلیون تومان باشد. حساب کنید که ماهی سی روز کار کند به عبارتی روزی صد هزار تومان. اگر روزی ده ساعت کار کند، ساعتی می‌شود ده هزار تومان و نیم ساعتش پنجاه هزار تومان. حالا او را معطل کنند که این چلوکباب چهار تومانی را پنج تومان نوشته باشد. یا یک مغازه گران فروش بود و می‌توانست جنسش را از دیگری بخرد، او باید خودش و ماشینش را ببرد جای دیگری که یک بیل را هزار تومان یا پانصد تومان ارزانتر بگیرد. در حالی که می‌بینیم پنج هزار تومان یا ده هزار یا بیست هزار تومان از وقت خودش مصرف شده است. مهم تشخیص وقت و ارزش پروژه بود که هر چقدر زودتر تمام شود، برای کشور منفعت دارد. حسابدار می‌گوید من وظیفه‌ام این است که هزینه‌ها، فاکتور داشته باشد. در بخش‌هایی که فهم نیروها به اینجا می‌رسید، جهاد طور دیگری سازمان پیدا کرده بود؛ ولی در بخش‌هایی که درک مناسبی از این موضوع نداشتند و اختیارشان دست بروکرات‌ها و حسابدارها می‌افتاد، به نیروهای جهاد خیلی فشار می‌آمد و تقریباً محیط خراب می‌شد.

بله؛ بروکراسی و نظم و نظام لازم است به خصوص آنجایی که ماندگاری دارد باید نوشته و ثبت شود؛ ولی در این نظام، باید اعتماد نیز باشد. وقتی اصل بر عدم اعتماد





جهاد می‌نوشتند؛ که همین، بروکراسی و کاغذبازی را در سیستم جهاد زیاد می‌کرد. روحانیون در حوزه این مسائل را ندارند و وقتی پولی می‌دهند گاهی رسید نمیگیرند، بعضی وقت‌ها در این هم ممکن است تفریط بشود که آن هم غلط است ولی ما نتوانستیم یک چیز متعادلی برای هزینه‌ها کرد مأمور خریده‌ها در بیاوریم. به خصوص که مأمور خریده‌ها باید کمی بازار دیده و زرنگ می‌بودند که در مغازه سرشان کلاه نرود.

برعکس هم ممکن بود؛ موقعی که دیگر مأمور خرید جهادی‌ها نبودند و کسی بود که کارش فقط خرید بود امکان داشت که فاکتور بسازد. برخی از مغازه‌ها هم حضور جهاد در شهرستان را یک فرصت برای خودشان می‌دیدند و برای کسب سود بیشتر اقداماتی می‌کردند، مثلاً در کنار اجناسی که از او خریداری می‌شد، یک ابزار را هم مجانی برای جهاد می‌داد. یا چیزی هم به خانه مأمور خرید می‌فرستاد. بچه‌ها معمولاً اگر چنین چیزی بود خیلی ناراحت می‌شدند ولی اگر که تخفیفی برای جهاد می‌داد بر میداشتند. اینها مقدمه حضور شیطان می‌شد؛ آن مسئول تدارکات باید خیلی تقوا می‌داشت تا آن سلامت در سیستم خرید جهاد باقی بماند.

شود و بگوید حتماً فاکتور بیاور، از اینجا کار خراب می‌شود. آدم‌هایی که می‌خواهند رسیدگی کنند، زیاد می‌شوند و وقت نیروها را می‌گیرند و نیروها نمیتوانند به درستی کار کنند. مثلاً اصفهان یک حسابدار اینطوری داشت و می‌گفت «اینجا لوبیا کیلویی این قدر ارزانتر است، چرا از آن روستا که گران بوده خریدی؟ از همین اصفهان با خودت می‌بردی». چند بار که این کارها را می‌کردند، نیروهای جهاد از دست این حسابدار خسته می‌شدند و فرار می‌کردند.

مقررات و آئین‌نامه‌ها را خودمان نوشتیم

ما باید مقررات را متناسب با محیطی پاک که به اصل برائت در قانون اساسی اعتقاد دارد، می‌نوشتیم. اما کسانی مقررات مالی را می‌نوشتند که در محیط‌های اداری کار کرده و حسابداری دانشگاه‌ها را خوانده بودند. آئین‌نامه‌های می‌نوشتند و همه بچه‌های جهاد از مهندس و شورا و غیره با آن مخالف بودند، ولی جایگزینی هم نداشتند.

بزرگترین مصیبت جهاد این بود که نخواستیم خود نیروهای جهاد آئین‌نامه‌ای بنویسند و برای خرج‌ها و معاملات یک معیار شرعی قرار دهند و برای خرید به بچه‌ها آن معیار را بدهیم و اعتماد کنیم. متأسفانه عین آئین‌نامه‌هایی که در دولت دیده بودند، مقداری سبکتر برای

عبدالله فاتحی

جهاد سازندگی

تاریخچه تشکیل و خلاصه عملکرد

بخش دوم

مطالب مندرج در این بخش برگرفته از کتاب «جهاد سازندگی، جلد اول: تاریخچه تشکیل و خلاصه عملکرد» می باشد که با انتخاب مدیریت نشریه در اختیار مخاطبان عزیز و مشتاقان پژوهش در حوزه جهاد سازندگی و پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد قرار می گیرد. این کتاب حاصل تحقیق و پژوهش گروهی از کارشناسان و محققان و تدوین کارشناس و پیشکسوت جهاد، آقای مهندس عبدالله فاتحی است که بر اساس پیشنهاد مخاطبان عزیز در خصوص لزوم تبیین فعالیت های جهاد سازندگی در انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، در این نشریه ارائه می گردد. این کتاب، زمینه ها و ضرورت های تشکیل نهاد مردمی جهاد سازندگی را از زمان پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار داده و وقایع و رخداد های مرتبط با جهاد سازندگی و سپس فعالیت ها و تلاش های جهادگران در مقاطع مختلف را به رشته تحریر در آورده است.

توسعه صنایع روستایی و عشایری

«کمیته صنایع روستایی جهاد سازندگی یکی از کمیته های مهم در احیای صنایع روستایی و عشایری بود که با فعال کردن هر چه بیشتر صنایع روستایی، رفع نیازهای محلی و حرکت به سوی استقلال اقتصادی، به صورت نهادی بسیار مؤثر و کارآمد واقع شد. این نکته نشان می دهد که جهاد سازندگی بر این باور بود که توسعه روستایی محدود به

بخش کشاورزی نیست و نباید باشد، بلکه توسعه در بخش صنایع و دیگر بخش ها نیز قسمت مهمی از تلاش نیروهای جهادی به شمار می رفت. از طرف دیگر امور عشایر بخشی اساسی از فعالیت های جهاد سازندگی را به خود اختصاص



پرداختند. در این راستا اصلی‌ترین کار جهاد در روستاها، شامل اقدامات ترویجی و زیربنایی برای رشد کشاورزی می‌شد؛ در کنار ملزومات بخش کشاورزی که به بخش صنعت مرتبط می‌سازد، استفاده از ظرفیت‌های بومی (نیروهای متخصص و نیروی انسانی) در راستای اشتغال‌زایی در بخش‌های محروم کشور حائز اهمیت بود. با توجه به اینکه از طریق تولید کشاورزی تنها بخشی از جمعیت روستاها می‌توانستند اشتغال داشته باشند، صنایع روستایی می‌توانست در روستاها ایجاد اشتغال کرده و از مهاجرت نیروهای کار به شهرها که منجر به برهم خوردن پراکندگی جمعیت کشور می‌شد، جلوگیری نماید.

احداث راه‌های ارتباطی روستایی

یکی از فعالیت‌های عمده و اساسی جهاد، احداث راه‌های ارتباطی در روستاها بود که آغازی بود برای ورود امکانات و لوازم روز زندگی به آن مناطق و کمک‌های زیربنایی به مردم. بهداشت در روستاها که بخش عمده‌اش آب آشامیدنی بهداشتی بود و برق‌رسانی و خدمات رفاهی از قبیل ساخت حمام، غسل‌خانه، مدرسه، مسجد و غیره نیز از

داده بود. پیامی که امام خمینی^۱ تحت عنوان «عشایر ذخایر انقلاب‌اند» داده بودند، اهمیت این بخش را دوچندان می‌کرد. جهاد برای عشایر و امور گوناگون آنها برنامه‌هایی جامع تدوین کرده بود. به عنوان مثال اکیپ‌های ثابت و سیار بهداشتی را تأسیس کرده بود که دام‌های عشایر را زیرپوشش بهداشتی و درمانی قرار میداد. از طرفی دیگر در تمایز با زندگی روستایی که «آب شرب» محور اساسی زندگی‌شان محسوب میشد، برای عشایر، «راه» مهم‌ترین موضوع بود و جهاد سازندگی در این خصوص دست به اقدامات بسیاری زد. عشایر ایل‌رو احتیاج به «راه‌های کوچ»، «پلهای ارتباطی» برای گذر از رودخانه‌ها در هنگام کوچ و «راه‌های نفوذی» در مناطق عشایری برای رساندن علوفه به قشلاق و تأمین سایر مایحتاج خود داشتند. به همین منظور بود که جهاد سازندگی در سال ۶۰ آیین‌نامه‌ای را برای گسترش و بهبود وضع خدمات روستایی و عشایری طرح نمود.^(ر. ک. به پیوست ۱)

هم‌چنین مسئله تولید در روستا، در رأس اموری بود که در حوزه وظایف جهاد سازندگی قرار گرفت و کسانی که هسته اولیه جهاد سازندگی را بنا نهادند، خود به‌طور خودجوش به آن

تلاش‌های جهادگران بود که منجر به حضور گسترده این افراد در دفاع مقدّس گردید. بی‌تردید، بدون این حضور، سرنوشت جنگ شاید به طریقی دیگر رقم می‌خورد.

جهاد سازندگی مانند هر سازمان منسجم دیگری برای پیشبرد اهداف و وظایف خود نیازمند برنامه‌ریزی‌های منسجم و تعیین کارگروه‌های مختلف بود که از طریق آنها بتواند رسالت خود را محقق نماید. برخی از اساسی‌ترین گروه‌هایی که با تلاش این نهاد شکل گرفتند، از این‌قرار هستند:

مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری. در تاریخ ۵۹/۳/۱۴ وزارت کشاورزی، طرح مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری را پیشنهاد داد و در تیر ۱۳۶۰ به تصویب شورای انقلاب رسید. بر اساس تبصره ۶ قانون وزارت کشاورزی ملزم به اجرای آن در روستاها گردید. هدف اصلی طرح، پیاده کردن یک الگوی همگن در امور کشاورزی، روستایی و عشایری بوده است که کاملاً با ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی مناطق روستایی و عشایری منطبق باشد.

واحدهای تولید گروهی - تعاونی‌های تولیدی مشاع

وظایف دیگری بود که در اساسنامه مذکور برای وزارت جهاد سازندگی پیش‌بینی شده بود و تمام اینها به یاری نیروهای جهاد ممکن شد (هرکدام از این امور در ادامه به‌صورت آماری تشریح خواهند شد). تا پیش از انقلاب بسیاری از این روستاها فاقد هرگونه امکانات اولیه در هرکدام از این بخش‌ها بودند.

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب در زمان ریاست جمهوری‌شان و در دیدار با جهادگران جهاد سازندگی کشور در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۳۱ خطاب به آنها می‌فرمایند: «معلوم است که وقتی شماها به مناطق محروم سیستان و بلوچستان، کردستان و مناطق مرزی جنوب کشور می‌روید، وقتی که آباد می‌کنید، قنات راه می‌اندازید، جاده می‌سازید، به کشاورز کمک می‌کنید، زندگی را برای روستائینان شیرین می‌کنید و نگرانیها و غمهای بیست‌ساله، سی‌ساله و چهل‌ساله او را از دوشش برمی‌دارید، او به انقلاب خوش‌بین و به انقلاب پیوسته می‌شود و دیگر امکان نفوذ ضدانقلاب باقی نمی‌ماند.» (نشریه جهاد، شماره ۵۳، ص ۱۳)

و در واقع این نکته از دلایل اصلی پیوستن اقشار محروم کشور به جریان انقلاب بود که توسط رشادتها و از خودگذشتگی‌های جهادگران در جهاد سازندگی محقق شد. همین اعتماد روستائیان به انقلاب، اعتمادی برآمده از





با مسئولین اجرایی و نهادهای انقلابی را در دستور کار داشت، دیگر اینکه مراقبت در اجرای مقررات بهداشتی و کوشش در جهت احیا و لایروبی قنوات و نهرهای دایر و متروکه و همکاری و هماهنگی در امور مربوط به جلوگیری از فرسایش خاک و عمران مزارع، باغها، جنگلها، اماکن عمومی و راههای عبور احشام هم به این بخش سپرده شده بود.

شوراها همچنین می بایست در امر تشویق اهالی به فعالیت‌های مرتبط با صنایع‌دستی و توسعه آن و نیز تشویق اهالی به نگهداری اماکن عمومی و نیز کمک به امر آموزش روستاییان و نیز نظارت و پیگیری در جهت اجرای پروژه‌های اختصاصی مساجد فعالیت می‌کردند. تمام امور فوق با همکاری و هماهنگی جهاد سازندگی با وزارت کشاورزی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط به انجام می‌رسید.

شوراهای اسلامی روستایی در مسیر تشکل و هدایت روستاییان

بیش از ۷۰ هزار روستا در گوشه و کنار این مرز و بوم پهناور وجود دارد. (آمار مربوط به سال ۱۳۶۱ می‌باشد). هر کدام از این روستاها سیاست و مسائل خاص خود و متناسب با شرایط جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی

تشکیل این واحدها به عهده هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین بود. تعاونی‌های تولیدی مشاع عبارت بودند از: جمعی بین ۵ تا ۱۵ نفر که روی قطعه زمینی که از دولت گرفته بودند، کار می‌کردند و عملیات عمومی آن (کاشت، داشت و برداشت) توسط امکانات موجود تعاونی به‌صورت مشاع انجام می‌گرفت. ولی در امور فردی که توسط شخص انجام می‌شد، هر فردی روی زمین مفروض خود کار کرده و مالک حاصل کار خویش بود.

شورای اسلامی ده

در ابتدای کار جهاد سازندگی تا دی‌ماه ۱۳۵۹ با همکاری هیئت‌های هفت‌نفره در ۱۵۳۱۸ روستا مبادرت به تشکیل شوراهای اسلامی نمود، در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۲۸ با مسئولیت جهاد سازندگی، مرکز هماهنگی شورای اسلامی روستا شکل گرفت که نمایندگان از جهاد و هیئت‌های هفت‌نفره و وزارت کشور حضور داشتند، این مرکز یک نوع هماهنگی در اجرا امور مربوط به شوراها ایجاد کرد، تا پایان سال ۶۵ از تعداد ۵۵۱۳۴ روستای کل کشور، حدود ۳۳۴۴۳ روستا دارای شورا شدند و در مدت ۷ سال ۶۱ درصد از کل روستاها از نعمت شورا و مدیریت جهادی برخوردار گشتند. وظایف شوراها به این شرح بود که اولاً نظارت و همکاری

گسترش مدارس متوسطه، هنرستان‌های فنی و دانشگاه‌ها است. این الگو تقریباً یک الگوی مسلطی در همه کشورها است.

در کشور تانزانیا یکی از مسائل عجیبی که در آنجا وجود دارد، بعد از پیروزی ناپره، یک بسیج عمومی در سوادآموزی و توسعه آموزش ابتدایی شد و ۸۰ درصد جمعیت روستایی با سواد، حاصل تلاش آنهاست که کار بسیار موفقیت‌آمیزی است. اما در توسعه آموزش عمومی که آموزش ابتدایی و متوسطه باشد، به دلیل نیاز به سرمایه‌گذاری حجیم در این بخش، عملاً این کشور نتوانست این سرمایه‌گذاری را انجام دهد و آموزش عمومی آنها در نیمه راه، رها شد و فقط ۳ درصد از جمعیت کشور امکان راهیابی به دوره‌های متوسطه را پیدا می‌کردند و به همین خاطر چون دولت امکان سرمایه‌گذاری را نداشت، سعی و تلاشش در این بود که توجه کشورهای مختلف را به سرمایه‌گذاری در بخش آموزش متوسط کشور جلب کند، حالا با هر نوع انگیزه‌ای که کشورهای مختلف می‌توانند داشته باشند. این نشان دهنده این است که توسعه آموزش عمومی با یک هزینه بسیار سنگین همراه است هزینه‌ای که امکان برآوردن آن در بودجه کشورهای جهان سوم نیست و بار سنگینی برای آنها به حساب می‌آید، در مقابل آموزش عمومی، دو بخش دیگر: یکی توسعه زیربنای کشور و دیگری تقویت بنیه دفاعی، مطرح است و در کشورها این سه محور برای توسعه، همیشه با یکدیگر رقابت دارند بخصوص بین تقویت بنیه دفاعی و توسعه آموزش عمومی.

دیدگاه و افقی که برای برنامه‌ریزان توسعه آموزش عمومی وجود دارد، در این است که ما از این طریق می‌توانیم افراد باسواد و متخصص و نهایتاً عاملان اساسی و معماران آینده ساختن کشور را تأمین کنیم، ولی آنچه که در عمل در این کشورها اتفاق افتاده است، این است که آموزش عمومی، نه تنها افرادی را که برای حیات کشورشان مفید باشند نساخته، بلکه یک بخش عظیم از انسان‌های تحصیل کرده و با مخارج بسیار سنگین اما بدون استفاده برای توسعه کشور به جا گذاشته است. موضوع دیپلمه‌های بیکار در همه کشورها مطرح است، کسانی که پشت در دانشگاه‌ها مانده‌اند

خاص آن ناحیه را اقتضا می‌کند و این مهمترین نکته‌ای است که بایستی در مسائل روستا به آن توجه داشت.

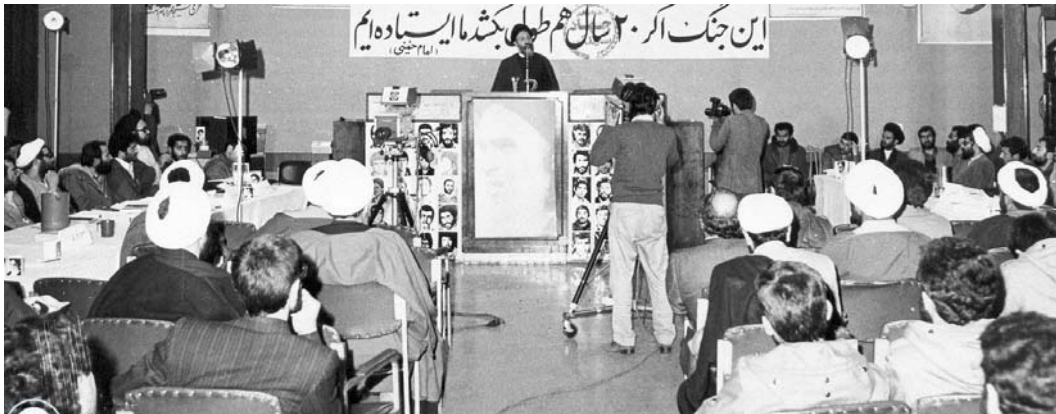
پراکندگی بیش از حد و متفاوت بودن بافت روستاها از جنبه‌های گوناگون، لزوم دخالت فعال و مؤثر روستاییان را در امور مربوط به خودشان ایجاد می‌نماید. اگر روستاییان در اداره امور مربوط به خودشان در قالب شوراهای روستا دخالت داده شوند، مسلماً بهتر می‌توانند مسائل و مشکلات و نیازهای خود را مرتفع کرده و در رشد و خودکفایی روستا مؤثر باشند. شوراهای اسلامی روستایی که اخیراً قانون آن نیز به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، می‌توانند به عنوان بهترین تشکل برای جمع شدن روستاییان و اداره امور روستاها از طریق آن شورا به حساب آیند.

شوراهایی که بعد از انقلاب در گوشه و کنار کشور تشکیل شده بود، عمدتاً فاقد جنبه قانونی بوده و غالباً در مسائل اجرایی از جانب بعضی ادارات و وزارتخانه‌ها به این شوراهای اهمیتی داده نمی‌شد و این خود می‌توانست سرخوردگی و بی‌تفاوتی روستاییان را به دنبال داشته باشد. قانونی شدن شوراهای اسلامی روستایی و اهمیت دادن به این شوراهای در مسائل اجرایی مهمترین تحولی است که در عمر سه ساله شوراهای ایران به وجود آمده است که خود می‌تواند به عنوان سرفصلی نو و سرآغازی نوین پیرامون مسئله «شورا» در جمهوری اسلامی ایران باشد.

جایگاه آموزش روستایی

واحد آموزش روستایی از واحدهای خوب جهاد است که به همت برادران توانسته است در مدت عمر دو ساله خود، با اینکه سابقه ذهنی و عملی در جهاد نداشته است، خوب شکل بگیرد و جایگاه خودش را در مجموعه حرکت جهاد پیدا کند و روز به روز هم رو به توسعه و گسترش است که ان شاءالله این گسترش و توسعه کار، قدم مثبت و مؤثری برای روستاییان عزیز باشد.

آنچه که به نظر می‌رسد، بحثی در ارتباط با توسعه آموزش عمومی و رابطه آن با آموزش روستاییان است. یک روشی که برای توسعه اقتصادی کشور تجویز می‌شود، روش برنامه‌ریزی آموزش عمومی، گسترش مدارس ابتدایی،



کشورهای جهان سوم باشد. این مقدمه را به این خاطر گفته شد که ما داریم در جامعه روستایی خودمان فعالیت می‌کنیم، صرف نظر از اینکه شاید بسیاری از شرایط ما مشابه شرایط کشورهای جهان سوم نباشد، اما بخشی از آن مسائلی که امروز کشورهای جهان سوم با آن درگیر هستند و در آن دست و پا می‌زنند، مسائل ما نیز هست و الگوبرداری از شرایط کشورهای جهان سوم برای کشور ما تطبیق درستی نیست.

اما آن حرکتی که ما در جهاد به نام آموزش روستاییان داریم انجام می‌دهیم، در چهارچوب آموزش عمومی نیست و اساساً جانشین آموزش عمومی هم نمی‌شود و یک میدان تجربه نوین است. برای اینکه ما بتوانیم زمینه مساعدی برای تحولات آموزشی در روستا به وجود بیاوریم.

در نگاه اول آموزش روستایی در جهاد، جایگاهی همچون جایگاه ترویج را با خود به همراه دارد، ولی در حال حاضر با شکل‌گیری و تکوین این واحد، وقتی به جایگاه این کار در جهاد و بعد در کشور نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که مآلاً این واحد ترویج نخواهد بود. ما یک تغییر برنامه‌ریزی و روش کار در کار روستاها انجام داده، از فعالیت فرهنگی به فعالیت‌های آموزشی آمده‌ایم و در فعالیت‌های آموزشی هم به فعالیت‌های آموزش‌های تخصصی در بعد انتقال روش‌های نوین بهره‌برداری در روستاها، منتقل شده‌ایم که کار ترویجی است.

زمینه‌ای را با اهداف وسیع‌تر و ابزار مستعدتر، برای کارهای ترویجی در روستا به وجود آورده‌ایم، اما حالا که کار پیشرفت

و نتوانسته‌اند وارد دانشگاه شوند و نیز موضوع متخصصین فارغ التحصیل دانشگاه‌ها که به جای آنکه در خدمت توسعه کشور باشند، راه برای آنها باز شده است که به خارج از کشور بروند و مسئله فرار مغزها را برای تمام کشورهای جهان سوم به وجود آورده است. یعنی جامعه‌ای که می‌خواسته با تربیت نیروی انسانی مورد نیاز خود، راهگشای توسعه‌اش باشد، نتوانسته است نیروی متخصص خودش را در داخل جامعه خود نگه دارد و باعث فرار مغزها و جذب آنها در جاهایی که امکان فعالیت برای این نیروهای متخصص بوده، شده است. پدیده سوم این است که برنامه‌ریزی این نوع آموزش‌ها به گونه‌ای است که همواره نیروها عکس جهت توسعه کشور تقویت می‌شوند، یعنی اگر آموزش برای روستاها است، عوض اینکه آموزش دیده جذب روستا شود، جذب شهر می‌شود. اگر آموزش برای یک کشور جهان سوم است، عوض اینکه جذب کشور خودش شود، جذب کشورهای بلوک غرب و شرق می‌شود. این شاید حاصل عمر پنجاه سال گذشته آموزش عمومی در کشورهای جهان سوم است و اخیراً در ده، پانزده سال گذشته، در بین متفکران جهان سوم و بعضی از متفکران غربی این موضوع مطرح شده است که باید اهداف و روش‌های آموزشی را در چنین کشورهایی به نحوی تنظیم کرد که در راستای استراتژی‌های بلندمدت و یا میان مدت فرهنگی و اقتصادی، اجتماعی همین کشورها باشد. یعنی ما الگوی اجرا شده در کشورهای غربی را برای کشورهای جهان سوم تجویز نکنیم. بلکه آنچه را تجویز می‌کنیم آموزش‌های مختص به

می‌دهیم این باشد که بتوانیم به یک شکل بسیار فراگیر و با سرعت کارآموزش در روستا را به همراه حرکت نهضت سوادآموزی و حرکت آموزش و پرورش شکل بدهیم، در واقع سعی کرده‌ایم که سرمایه‌گذاری‌هایی را که در بخش آموزش در کشور می‌شود را به بهره‌وری کامل‌تری برسانیم. درست است که همه آنچه که به نام آموزش و تربیت نیروی انسانی در روستا است، متعلق به آموزش روستایی نیست، اما این حرکت و این نوع روش یک زمینه بسیار مناسبی می‌سازد برای اینکه اولاً آن بخش‌های آموزشی بتوانند کار خودشان را بهتر انجام دهند، ثانیاً یک تجربه عملی است، یعنی آموزش‌های مناسب برای روستاهای ما در این روندی که ما عمل می‌کنیم تجربه می‌شود و بعد می‌توان این تجربه‌ها را به کتاب‌های درسی، برنامه‌ریزی‌های آموزشی، به نکته‌های درسی و نیز دوره‌های آموزشی منتقل کرد و همین‌طور از این طریق می‌توان زمینه اصلاح روش‌های آموزش را فراهم کنیم که نتیجه‌اش این می‌شود که آموزش عمومی ما در راستای اهداف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ما باشد.

اما اولویت ما باید بر این باشد که به روستاهایی که آموزش روستایی در آنجا اصلاً شکل نگرفته توجه شود، تا سریع‌تر شکل بگیرند، خصوصاً اینکه متأسفانه آنجایی که ضعف اجرا و تشکیلات داریم، درست همان جایی است که بیشترین آموزش‌ها را نیز داریم، به این معنا که در آن مناطق، اساساً یکی از زمینه‌های عقب‌ماندگی همین عقب‌ماندگی‌های آموزشی است. در استان‌های محروم یکی از این عقب‌ماندگی‌ها همین است و اگر آموزش‌ها در این مناطق محروم پا بگیرد، برنامه‌های ما در بخش‌های دیگر برای تحولات اقتصادی، اجتماعی نیز سریع‌تر شکل خواهد گرفت. یکی از چیزهایی که خیلی مؤثر است، این است که ما در کنار کار آموزشی، یک برنامه ارزیابی مستمر از آن داشته باشیم. یعنی اگر ما در تمام کشور کار نکنیم و انرژی خود را در یک استان بگذاریم و در استان هم جمع کنیم در یک شهرستان، و در شهرستان هم جمع کنیم در یک دهستان و تأثیرات تغییرات و تحولات و همچنین روش‌های آنچه را که انجام می‌دهیم، دقیقاً زیر ذره‌بین و کنترل داشته باشیم

کرده، اگر به نظارت و آزمایش و بررسی کارهای انجام شده بپردازیم، می‌بینیم که ابعاد این کار آموزشی تأثیرات صرف اقتصادی ندارد، بلکه تأثیراتی اساسی در تربیت و آموزش روستاها نیز دارد و این است که متوجه می‌شویم که کلمه «آموزش روستاییان» خیلی با معنی‌تر و با محتواتر از کلمه «ترویج» است و یک میدان جدیدی برای تحولات آموزشی در سطح روستا است.

خوب بالطبع ما در یک موضع جایگاه مشترکی برای فعالیت‌های خودمان در روستاها در زمینه آموزشی کار را شروع کردیم؛ آن هم این است که در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، ما نیاز به این داریم که روستاییان باآموختن دانش‌های فنی بتوانند در بالا بردن سطح تولید به عنوان نیروی انسانی کارآمد مطرح باشند و از طرف دیگر روستایی با انگیزه کسب درآمد بیشتر، به سمت این آموزش‌ها می‌آید. حاصل این روند این خواهد بود که نیروهای انسانی کارآمد ساخته می‌شود، تولید بالا می‌رود و درآمد برای روستاییان ایجاد می‌شود. این یک نقطه‌ای است که ما و روستاییان در آن مشترک هستیم، یعنی اهداف مشترکی را دنبال می‌کنیم تا به هم نزدیک شویم. البته در همین فرآیند هم بسیاری از روش‌های ترویجی نتوانستند همین اقدام، یعنی جلب اعتماد روستاییان و جلب روستاییان به آموزش‌های نوین کشاورزی را انجام دهند.

ما در کار آموزشی که داریم انجام می‌دهیم، نمی‌توانیم منحصر به انتقال روش‌های نوین به روستاییان شویم؛ چرا؟ برای اینکه می‌بینیم آن چیزی که می‌تواند در روستاهای ما، ما را موفق کند، یک تحول فرهنگی، اجتماعی است که می‌تواند راه درازمدت ما را کوتاه کند. این تحول فرهنگی، اجتماعی در یک ابعاد گسترده‌تر در آموزش‌های روستایی مطرح می‌شود و جایی را که آموزش روستایی در برنامه‌ریزی آموزشی و یا در برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی پیدا می‌کند، این جایگاه خواهد بود که ما اولاً روش‌های نوین در انتقال روش‌های جدید کشاورزی و اقتصادی در آموزش به وجود آوریم. دوم اینکه اهداف ما در این آموزش‌ها این باشد که تحولات فرهنگی و اجتماعی را با خود به همراه داشته باشد. اگر حاصل مجموعه آموزش‌هایی که ما در آموزش روستایی

را به طور زنجیره‌ای جواب بدهد. ارتباط دوره‌های آموزشی را در روستاهای مختلف به هم وصل کنند که نتیجه آموزش‌ها، خدمات‌رسانی به هم در یک مجموعه روستایی و حاصلش ارتقای سطح کیفی دانش‌های فنی و افزایش مشارکت و میل به همکاری و نقش داشتن در توسعه کشور سطح یک منطقه باشد.

نکته بعدی این است که کار آموزشی یک کار کیفی است که حاصلش تغییر در کیفیت‌ها است و حاصل کمی آن، کمتر مشخص است، به همین دلیل حوصله و دوراندیشی بیشتری را می‌طلبد و برادرها باید در زمینه کارهای آموزشی آمادگی‌های روحی داشته باشند.

نکته بعدی که تذکرش را لازم می‌دانم، استفاده بهینه و خوب از وسایل ارتباط جمعی در کار آموزشی است که این را هم برادرها باید دست کم نگیرند و این امکانی که احیاناً در اختیارشان است که از رادیوها استفاده می‌کنند و برنامه‌های رادیویی در استان‌هایشان دارند، سعی کنند که به آن بها بدهند. انرژی متمرکزی در آن بگذارند و برنامه‌های با کیفیتی را ارائه بکنند.

همزیستی جهادگران با مردم

در پی فرمان امام در راستای محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی و محروم کشور، جمعی از دانشجویان و جوانان تحصیل کرده، از سر تعهد و ایمان قلبی، به فرمان امام اقتدا کرده و به‌سوی مناطق محروم سفر می‌کنند تا عوامل و شرایط محرومیت را بررسی کنند و نتایج را برای کمیته‌های مرکزی ارسال کنند. از خلال این بررسی‌ها بود که اولاً عمق محرومیت این روستاها بیش‌ازپیش آشکار گردید و ثانیاً میزان وظیفه و رسالتی که بر دوش این افراد قرار گرفت دو صدچندان شد. این افراد (جهادگران) که اغلب در محیط‌های شهری رشد کرده و آموزش دیده بودند، اکنون ناگزیر بودند که خود را با شرایط اغلب بسیار دشوار زندگی در محیط‌های روستایی وفق دهند و بتوانند در آن بخش‌ها کار کنند؛ محیط‌هایی که در بسیاری از موارد فاقد هرگونه امکانات اولیه زندگی با معیارهای مدرن بود. برخی از این افراد کسانی بودند که سال‌ها در خارج از ایران زندگی کرده بودند

و مکتوب این دوره‌های آموزشی مورد بازبینی و نظارت قرار بگیرند؛ حاصلی که به ما می‌دهد، می‌تواند زمینه‌ای باشد برای اینکه در روش‌های آموزشی‌مان بسیار موفق باشیم و از آن عوامل ناموفق که ممکن است در کار ما وجود داشته باشد، بپرهیزیم.

نکته سوم این است که هنوز دامنه فعالیت‌های آموزش روستایی تعیین نشده، یعنی برادرها متکی به آنچه تاکنون به دست آمده نباشند. هنوز ما در رشد جنبی این واحد هستیم و تا شکل‌گیری کامل آن راه داریم. برادرها و خواهرها باید در کار خلاقیت و ابتکار داشته باشند، تا ببینند دامنه کار آموزشی چه کارها و چه روش‌های آموزشی را باید انجام بدهند، در چه زمینه‌هایی باید فعالیت شود و سعی شود این فعالیت‌ها به دامنه کار آموزش اضافه شود.

نکته چهارم این است که برادران سعی کنند به‌طور پراکنده در روستاها کار نکنند. ما در کارهایی که در ارائه خدمات و نهاده‌ها در بخش کشاورزی داشتیم، یکی از معایبی که امروز به آن برخوردیم، این است که در آن چند ساله اول در طی یک برنامه، ارائه خدمات نمی‌کردیم، بلکه به‌طور متفرق و بدون داشتن برنامه، فقط در تأمین نیازهای روستاییان سعی در ارائه خدمت می‌کردیم. اگر بخواهیم آموزش روستاییان را بدون برنامه انجام دهیم و به اهداف برنامه‌مان توجه نداشته باشیم، یا اینکه به‌طور متفرق و نه زنجیره‌ای در روستاها عمل شود و همین‌طور اگر توسعه آموزش به‌طور پراکنده در روستاهای مختلف و در آموزش‌های مختلف و بدون ربط ارتباط با همدیگر بخواهد انجام شود، حاصل کار یک چیز مطلوبی نخواهد بود.

مسلماً آن مقدار اعتبار و امکاناتی که برای انجام کار در اختیار شما قرار دارد، آن قدر نیست که بتوانید همه روستاها را تحت پوشش قرار دهید و آنقدر نیست که بتوانید همه آموزش‌ها را بدهید و همه حجمی را که اقبال به سوی شما می‌شود پاسخ بدهید. پس اگر این اعتبارات و امکاناتی که به این بخش اختصاص پیدا می‌کند، محدود است و برادران این محدودیت‌ها را می‌بینند، سعی کنند میدان عمل خودشان را طوری انتخاب کنند که حاصل کار آموزشی آنها، تحولات آموزشی و فرهنگی، اجتماعی منطقه آموزشی‌شان



و تصوّر حضور آنان در این مناطق و برای مدت‌های طولانی تنها حکایت از ایثارگری آنان داشت و بس. روایت‌های بسیاری در خصوص دشواری‌های طاقت‌فرسای زندگی و کار در این محیط‌ها ذکر شده است. مناطقی که حتی تا چندین روز غذا و آب آشامیدنی نیز در اختیار آنان نبود.

اما مشکلات کار در این مناطق تنها به این مسائل

محدود نمی‌شد. برخی روستاها یا بخش‌های بزرگ‌تر دارای فرماندار و بخشدار و مراکزی اداری بود. در نتیجه فعالیت در این مناطق نیازمند هماهنگی‌هایی بود میان نیروهای جهاد و این ادارات که نیروهای انقلابی جهاد را در بروکراسی و کاغذبازی‌هایی قرار می‌داد که بخش زیادی از آن لازم نبود و بازمانده از رژیم سابق بود که مقابل هرگونه فعالیت جهادی قرار داشت. واضح بود که نیروهای جهاد نمی‌توانستند برای کاری کوچک که شاید نیمی از روز وقت نیاز داشت، چندین روز دست روی دست گذارده و منتظر دستور مقامات محلی باشند. لذا به‌ناچار خود آستین بالا می‌زدند و کار ناتمام را تمام می‌کردند. این نکته البته شاید تنش‌هایی را میان بخش‌های مختلف ادارات پدید می‌آورد، اما آنچه اهمیت داشت این بود که در نهایت، کار و مشکل مردم، در کمترین زمان ممکن حل می‌شد.

حضور نیروهای مردمی، خاصه تحت نام جهاد سازندگی، نقشی بنیادین در انقلاب و بخصوص بعدها در جنگ ایفا کرد. اساسی‌ترین نکته در این بسیج نیروهای مردمی این امر بود که آنها در اغلب موارد به‌صورت خودجوش سازماندهی می‌شدند. انقلاب از مردم بود و پس‌از آن نیز خود مردم تلاش کردند که آن را حفظ کرده و کشور را آباد کنند. «ما هر جا اتکای صادقانه و حقیقی به مردم کردیم، آن بخش آباد شد و

جهاد از جمله این بخش‌ها بوده و در جنگ تا موقعی که به مردم اتکا نداشتیم و فقط به همان نیروهای دارای چارچوب و نام مشخص چند تا لشکر و تیپ و کادرهای نظامی متکی بودیم، جنگ به‌صورت اوایل جنگ ادامه داشت، اما به‌مجرد اینکه پای مردم به جبهه‌ها باز شد و دشت‌ها و بیابان‌ها و کوه‌ها و سنگرها از نیروهایی که جنگ از آنها مطالبه مسئولیت و کار می‌کرد، پر شد، ناگهان وضعیت جنگ زیر و رو شد.» (مجموعه مصاحبه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوران ریاست جمهوری، ج ۳، ص ۳۳۰)

همین بسیج مردمی بود که باعث شد تمام معادلات جنگ به ناگهان تغییر کند و نیروهای انقلابی بتوانند در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها دست به اقداماتی منحصر به فرد بزنند؛ اقداماتی که توانست جنگ را به صحنه ابتکارات و خلاقیتهای نیروهای جهاد تبدیل سازد.

فقرزدایی فرهنگی در روستاها و مناطق محروم با حضور زنان جهادگر

پیش‌تر اشاره کردیم بخش اصلی و مهم فقر و محرومیت در روستاها و مناطق محروم کشور در قبل از پیروزی انقلاب، فقر فرهنگی بود و از آنجا که نیمی از جمعیت این مناطق محروم را زنان و دختران تشکیل می‌دادند و بر اساس آنچه آمار و اسناد نشان می‌دهد امکانات فرهنگی و آموزشی

بدین سان زنان انقلابی و شیفته خدمت به هموطنان خود به عنوان زنان جهادگر پا به پای مردان وارد عرصه جهاد سازندگی شده و توانستند خدمات ارزشمندی در مناطق محروم انجام دهند.

اگرچه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کار کمک به روستاییان، به طور خودجوش و پراکنده در سراسر کشور انجام می شد اما با فرمان تاریخی امام خمینی^۱ مبنی بر جهاد سازندگی، سیل زنان و مردان، پیر و جوان، از هر قشر و تحصیلاتی راهی روستاها و مناطق محروم کشور شدند. جهاد سازندگی، نهادی بود که نقطه آن در انقلاب بسته شد، در بستر انقلاب رشد کرد و همراه با نهال نخواستۀ انقلاب به ثمر رسید. دست پر توان جهادگران، بذر انقلاب را در دل محروم ترین و مستضعف ترین قشر جامعه کاشت و تیر آنان قلب بزرگ ترین دشمنان را نشانه گرفت.

کارها در آغاز به صورت دسته جمعی و در حد کمک به فعالیت های روزمره کشاورزان بود، اما کم کم با گذشت زمان، این کارها جای خود را به فعالیت های تخصصی عمرانی، آموزشی و فرهنگی داد و به تدریج هر فرد بنا بر توان، تحصیلات و علاقه دریکی از بخش های سازندگی، آموزشی جای مناسب خود را پیدا کرد. مردان جهادی بیشتر در رده های سازندگی، عمرانی و زنان جهادی نیز بیشتر در

و بهداشتی در بخش اعظم مناطق روستایی وجود نداشت؛ لذا رفع محرومیت فرهنگی جزو اولویت های جهادگران قرار گرفت. علاوه بر آن، برای انتقال پیام انقلاب به روستاها و مناطق محروم می بایست زمینه های آن فراهم می شد و در واقع جهادگران با انجام برنامه های فرهنگی، آموزشی در مناطق محروم ضمن انتقال پیام انقلاب، مقدمات توسعه روستایی را هم فراهم می کردند. با این وجود برای اجرای این امر مهم و برای برقراری ارتباط با نیمی از جمعیت مناطق محروم که زنان و دختران بودند، لازم بود جهادگرانی از جنس خودشان (زنان) باشند، امام خمینی^۱ با دید وسیع و عمیقی که داشتند، در پیام خود برای تأسیس جهاد سازندگی به این موضوع اشاره و تأکید می کند، به طوری که در بخشی از پیام این چنین آمده است: «دانشجویان عزیز، متخصصین، مهندسين و بازاری، کشاورز، همه قشرهای ملت، داوطلب برای این است که ایرانی که به طور مخروبه به دست ما آمده است، بسازند. از این جهت، باید ما بگوییم یک جهاد سازندگی، موسوم کنیم این جهاد را به (جهاد سازندگی) که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسين و متخصصین شهری و روستایی، همه با هم باید تشریک مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است، بسازند.»





هدف کاری خود را بر روی پرورش ابعاد انسانی روستاییان و سپردن امور به خود آنها قرار می‌دهد و کمک می‌کند تا از روستاییان فراموش شده قبل از انقلاب اسلامی، انسان‌هایی باسواد و متخصص در حرفه و پیشه خود که در تصمیم‌گیری دخالت دارند، بسازند.

پسران و دختران دانشجو عضو نهادهی به نام جهاد سازندگی بودند که آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب درباره آنان می‌گوید: «جهاد سازندگی یکی از پدیده‌های زیبای انقلاب است که در واقع گل خوش‌رنگ و بویی است که بر بدنه این نهاد رویداده و نه فقط کسانی را که با آن سر و کار دارند سرمست می‌کند، بلکه درخت انقلاب را هم زینت می‌دهد.»

نقش و اهمیت زنان و دختران دانشجو در فعالیت‌های جهاد سازندگی

فضای کاری و زندگی خواهران جهادی در روستا

فضای کار و زندگی خواهران جهادی، تنها مقوله‌ای است که نمی‌توان تعریفی برای آن داشت. در اوایل انقلاب در بسیاری از روستاها، نه مدرسه‌ای بود و نه اتاق اداری و یا محلی برای کار و زندگی، خواهران باید در هر جایی که امکان آن بود، استقرار می‌یافتند. بخشی از اتاق بهداشت، اتاقی در منزل روستاییان و یا در نهایت در مسجد، کار باید انجام می‌شد حتی اگر مکانی، تخته‌ای، میزی و یا امکاناتی

فعالیت‌های فرهنگی، ترویجی و آموزشی جای گرفتند. بدین سبب روستا به‌عنوان اولین هدف کاری جهادگران انتخاب شد، چرا که روستاییان در میان اقشار کشور محروم‌ترین بودند و جهادگران که به ندای رهبر خود لبیک گفته و کمر همت برای زدودن آثار رژیم ستم‌شاهی بسته بودند، عازم مناطق محروم روستایی شدند.

بیان دیدگاه‌های توسعه روستایی

سالیان متمادی است که تغییر در ساختار فیزیکی روستا، دیگر به‌عنوان توسعه تلقی نمی‌شود. مهم‌ترین عامل توسعه روستایی، از دیدگاه نظریه‌پردازان علوم اجتماعی، رشد ابعاد انسانی و ارتقاء آگاهی‌های جمعیتی است.

«فردریک هاریسون» صاحب‌نظر و کارشناس نامدار معاصر علوم اجتماعی معتقد است: «منابع انسانی پایه‌های اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند. سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی هستند، درحالی‌که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را می‌سازند، توسعه ملی را به جلو می‌برند و اگر کشوری نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی بهره‌برداری کند، قادر نیست هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد.»

با همین رویکرد اسلامی - انسانی بود که جهاد سازندگی ضمن عمران و آبادانی و رفع محرومیت روستاها، بیشترین



هم نباشد.

وسایل نقلیه نیز متفاوت بود از ماشین‌های دسته چندم جهاد گرفته تا وسایل نقلیه عمومی به‌ویژه مینی‌بوس‌های روستایی که امیدی به سالم رسیدن آنها نبود. به‌طور معمول ماشین آنها را به روستا می‌رساند و چند روز بعد می‌آید و آنها را برمی‌گرداند و بسیار شده بود که زنان جهادگر در این چند روز بیمار می‌شدند؛ اما باید بی‌هیچ دارو و درمانی تحمل می‌کردند تا ماشین برسد و آنها را برگرداند. اما از همه بدتر راه‌های پرپیچ و خم کوهستانی و جاده‌ای و کویری روستاها بود. در سال‌های ۶۵-۵۸ راه‌های روستایی از پرخطرترین راه‌های کشور بودند که در این راه‌ها تصادف‌های جاده‌ای متعدّد و گرفتاری‌های دیگری برای خواهران جهادی پیش می‌آمد. هم‌چنین پیاده‌روی‌های چندین کیلومتری، بخشی از کارهای روزمره خواهران جهادی بود. چرا که معمولاً این خواهران در یک روستا اسکان می‌یافتند و خدمات آموزشی خود را به روستاهای اطراف ارائه می‌کردند. خود روستاییان این مسافت‌ها را با حیوانات و یا موتورسیکلت طی می‌کردند که معمولاً خواهران جهادی از این دو وسیله نقلیه استفاده نمی‌کردند. البته کارهای دسته‌جمعی چون برداشت محصول که با حضور تعداد زیادی از جهادگران انجام می‌شد، معمولاً صبح تا شب بود و همه با اتوبوس می‌رفتند و برمی‌گشتند. ادامه دارد.....

به مرور زمان و با سامان گرفتن ساختار تشکیلاتی جهاد سازندگی و تعیین بودجه، بتدریج امکاناتی هرچند ساده، فراهم شد تا جایی که در اکثر روستاهایی که ساکنین قابل توجهی داشتند، فضاهای آموزشی، فرهنگی چون کلاس درس، مراکز تفریحی، کتابخانه و... به وجود آمد. محل اسکان خواهران نیز وضعیّت بهتری نداشت و در روستاهایی که امکان رفت و آمد وجود نداشت، خواهران در جایی که امن بود، اسکان می‌یافتند و این مکان در درجه اول مکان‌های دولتی چون مدرسه، خانه بهداشت و... بود.

پس از تأمین امنیت، محرومیت از امکانات اولیه زندگی، چون آب و حمام و بهداشتی، تأمین گرما یا سرما، مسائلی بود که معمولاً خواهران در طول اسکان خود تحمل می‌کردند. هم‌چنین دوری از خانواده، محرومیت از ارتباطات دوستانه، رادیو و تلویزیون، غذاهای ساده و تکراری، شستشوی لباس با دست و آب سرد و بسیار مسائل ریز دیگری که معمولاً دیده نمی‌شد.

رفت و آمد در راه‌های کوهستانی و کویری

رفت و آمد زنان جهادی معمولاً بر اساس دوری و یا نزدیکی روستاها متغیر بود. برخی هرروز به روستا ایاب و ذهاب داشتند، برخی هفته‌ای دو بار، بعضی دیگر هر هفته یک‌بار و یا در روستاهای دور هر دو هفته یک‌بار به خانه بازمی‌گشتند.

مهدی محمدی

داستان

به رنگ آسمان بی کران

به آسمان هست و ستاره ها را رصد می کنم فقط دو مرتبه از معیارهایم تخطی کردم. یک بار مربوط به ۱۳ سال پیش می شود. شبی بسیار دلم گرفته بود. شباهت زیادی داشتم به ستاره کم سو و نگرانی که دلم پر بود از اینهمه بی توجهی

در سنجش و انتخاب ستاره ها باید خیلی حواسم را جمع کنم. همیشه معیارهایی برای انتخاب آنها دارم که اصولاً معیارهایی ثابت هستند. مسلماً همیشه به دنبال ستاره هایی هستم که پر سو باشند، ماندگار باشند، یعنی بتوان هر شب آنها را دید و نزدیک باشند. حداقل که در این چند سالی که سرم رو به سوی آسمان هست، سعی کردم این سه معیار را در نظر بگیرم. در طول این ۳۰ سالی که سرم رو



انسانها. تمام تلاشم را می کردم تا بهتر دیده شوم و یا زیباتر جلوه کنم، اما دریغ از اندکی توجه. آنشب تصمیم گرفتم ستاره ای کم سو و تازه را انتخاب کنم. با آن احساس یگانگی و یکدستی داشتم. گفتم ۳۰ سال، شاید نظرتان این باشد که ۳۰ سال رو به آسمان

دراز کشیدن، بسیار دردآور است. من به شما می گویم نه، نیست. نه اینکه نیست، هست. اما به دیگر زیباییهایش می ارزد. اینکه شبها ستاره ها را رصد کنی و روزها آسمان آبی یا ابری و بارانی و یا حتی آلوده از دود. ۳۰ سال آزرگار کارم شده همین. تابستانها که هوا گرم و دلچسب بود، بر روی ایوان خانه قدیمی دراز کش بودم و زمستانها در یکی از اتاقهای رو به حیاط، پشت پنجره، جوری که نگاهم به آسمان باشد.

اوائل برایم بسیار سخت بود. اینکه بپذیرم دیگر راه نروم، بلند نشوم، نشینم. و فقط رو به آسمان دراز بکشم. نه اینکه دلم نخواهد. نه. اینکه بتوانم بلند شوم و بروم نان تازه ای برای صبحانه بخرم، برایم حسرتی شده و این حسرت مانند یک حفره در درون من، روز به روز بزرگتر و بزرگتر می شد. این حفره روزی انقدر بزرگ شده بود که به اندازه کل اطلاق که نه، اندازه کل خانه شده بود. انقدر بزرگ که من دیگر حس می کردم درون آن حفره زندگی می کنم و آن حفره خانه من است. و تنها آسمان به همان شکل قبل باقی مانده بود. اگر به خود من در شرایط عادی می گفتند که فردی ۳۰ سال به علت قطع نخاع، به صورت درازکش زندگی می کند برایم هضم ناشدنی بود. اما خودم تجربه اش کردم. ابتدا سخت بود. ثانیه ها را می شمردی. ثانیه ای می گذشت و تو تنها منتظر ثانیه ای دیگر بودی.

سهم تو از زندگی همین ثانیه دیگر بود و ثانیه دیگر و ثانیه دیگر. در ادامه و با گذشت چند سال عادت می کنی. به همه چیز. گویا اصلا از ابتدا اینگونه متولد شدی. به ثانیه ها، به ساعتها و به حفره عادت می کنی. این اواخر هم که زمان دیگر برایت معنایی ندارد. تعریفی ندارد. گویا زمان در محضر تو خود را باخته است. دیگر منتظر زمان و ثانیه های نفسگیرش نیستی. چه فرقی دارد ساعت ۹ باشد یا ۱۵. چه فرقی می کند سه یا چهار شنبه باشد. سال ۸۰ یا ۹۳. دیگر زمان برای تو ایستاده است. اینجا جاییست که تو به چیزهای مهمتر می اندیشی. به آسمان. به ستاره ها. به باران. و زندگی ات را با معانی جدیدی عجین می کنی. اردیبهشتی بود، سال ۶۶، جوانی قبراق و سرزنده بودم. بسیار مدعی و پر انرژی. مهندس ماشین آلات سنگین بودم. دو سالی می شد که به عنوان نیروهای مردمی جهاد در جبهه خدمت می کردم. از آنجایی که به عنوان یک اقلیت مذهبی به جبهه رفته بودم، همیشه این سوال از من می شد. تو چرا اینجا؟... روزهای اول بسیار برایم سنگین بود این سوال. مگر من چه فرقی داشتم؟ دیگران چه داشتند که من نداشتم؟ اما در ادامه و زمانی که متوجه شدم این سوال بیشتر از روی نداشتن اطلاعات کافی می باشد، برایم قابل هضم شد و راحت تر می توانستم به سوالات پاسخ دهم. چرا من نه؟

مسیحی بودنم دلیل نمی شد که خود را ایرانی ندانم. من



سنگر می سازم. سنگرهایی از جنس ستارگان آسمان. یک سنگر نورانی. عبدالله کمکم می کند. سالار گرا می دهد. میثم هم چون بیکار است مدام می گوید: وارطان... این ستاره را برای من دشت کن...

ماری □ همسرم - می گوید: وارطان آن ستاره را ببین... (با انگشتش نشانم می دهد)... آن ستاره من و توست... بیچاره ماری. از همان اول میدانست که رفتن من برایش دوری و دردسر و زحمت در پی دارد. این را در نگاهش همان روزها می دیدم. اما هر بار که به او می گفتم، مدام می گوید: ...چه زحمتی... دیوانه شدی وارطان من... تو تمام دنیای منی...

تصورش هم سخت است. من، من تمام دنیایش هستم. ماری بسیار صبورانه در کنارم روزگار می گذراند. گاهی حتی با خود فکر می کنم که کاش آنجا به عبدالله پیوسته بودم و شهید شده بودم. ماری گویا بعضی وقتها، صدای درونم را می شنود و به من می غرد. چون براستی مانند یک شیر صبور و قوی، با اراده و قوی است. ماریا می گوید: متوجه باش چی میخای... اگه الان زنده ای و کنار من... به خاطر اینه که ... من از ابوالفضل خواستم که پادرمیونی کنه ...

ابوالفضل. نامی است که خیلی زود در خانه ما عزیز و مهم شد. مخصوصا بعد از برگشت من که ماریا یک ارادت خاصی به ابوالفضل پیدا کرد. به خاطر همین موضوع، من و ماریا اسم یکی از ستاره های مورد علاقه مان را گذاشتیم

یک ایرانی بودم و بعد یک مسیحی. زمانیکه قصد اعزام به جبهه را داشتم، افراد زیادی از هم کیشانم با من مخالفت کردند که این جنگ، جنگ ما نیست. اما من اعتقاد بر این بود که این جنگ ایران است و من به عنوان یک ایرانی وظیفه ام رفتن بود. حتی زمانی که در آخرین مراسم دعا، قبل اعزام به جبهه، در کلیسا حاضر شدم، کشیش که از دوستان قدیمی پدرم بود، ابتدا سعی در پشیمان کردن من کرد و به من مدام گوشزد می کرد که... وارطان تو مجبور نیستی بری... اما پس از دیدن اراده مصمم من به رفتن، برایم دعا کرد و جمله ای گفت که هنوز در ذهنم نقش دارد: ... حالا که قصد رفتن داری و مصمم به رفتن هستی ... برو... اونجور که شایسته یک فرزند ایران است... .

باید سنگر می ساختیم. این هدف کلی ما بود. فرقی هم نمی کرد. از من که تعمیرکار ماشینهای سنگین بودم تا عبدالله که راننده لودر بود. میثم که مسول سوخت ماشین ها بود و سالار که مسول پوشش دادن ما بود. همه و همه یک هدف داشتیم. صبح و عصر هم نداشت. یک هدف. ساخت سنگر. سنگری که جان پناه برادرانمان در مقابل دشمن باشد. همیشه سوال همه این بود پس جان پناه خودتان چه چیزی بود؟ جان پناه ما، اعتماد به هم بود. ما با وجود مدت زمان کوتاه، فارغ از شیعه و سنی و مسیحی، در کنار هم و معتمد به هم بودیم. سنگرهای زیادی ساختیم. در کنار هم ساختن ها داشتیم. تا شهادت عبدالله و قطع نخاع شدن من که نقطه پایان همکاری ما بود. الان هم

ابوالفضل.

می پوشانمش. دیگر گذران سخت ثانیه ها برایم اهمیت ندارد. دیگر این طول زندگی نیست که مهم باشد برایم. این عرض زندگی است که مهم است. ستاره ها. آسمان. خوشبختی احساس نور مسیح در طاقچه اطاق ما. احساس زنده حضور ابوالفضل در فضای خانه. و ماریا. ماریا. ماریا. فرشته ای زمینی که ۳۰ سال است در کنار من مشقت می کشد و دلیل همه این ایمان مضاعف من است.

گاهی که دلگیرم و بر لبه حفره اندوهناکی که برای زندگی خود ساخته ام، نشسته ام یا بهتر بگویم دراز افتاده ام، ماریا می آید کنارم می نشیند. نوازشم می کند و به من امید می دهد. چیزی که اینروزها سخت برایم معنی می شود. اما ماریا برایم معنا می کند. همیشه می گوید: من هم به اندازه تو خسته ام. من هم به تعداد روزهای افقی که تو گذراندی خسته شدم... من هم با نگاههای تو به آسمان گریه کردم... اما ناامید نبودم... هیچوقت... می توانست... بدتر باشد... می شد تو نباشی و این زیبایی پاییزی رو درک نکنی... میشد... شبی... ستاره ای... سوسویی باشه و تو نتونی ببینیشون... اونروز که از ابوالفضل... خواستمت... فقط زنده موندنت برام اهمیت داشت... باشی ... هرچور که هستی... حالا هم... وارطان... ناامید نباش... این که من کنارتم... ستاره ها کنارت هستند... آسمون کنارت... عیسی مسیح کنارمونه و ابوالفضل هومون رو داره... نور خدا رو حس می کنیم... واسه خوشبخت بودن کافیه...

آه ماریا. اگر ایمان و امید تو به زندگی نبود معلوم نبود من الان کجا بودم. سختی می کشم و لحظات دشوار را کنار هم می چینم تا ثانیه ها و ساعتها بگذرد. اما نگاهم را به خوشبختی می دوزم. حفره را پر می کنم و کاملاً



از ایثارگران به...

در ادامه ی رسالت نشریه سنگرسازان بی سنگر برخی از سوالات و خواسته های مجموعه ایثارگران در این صفحه مطرح می گردد. از همه بخش های مرتبط با موضوعات مطرح شده خواهشمندیم هرگونه پاسخ و اقدام خود را جهت انعکاس در همین صفحه به نشریه گزارش نمایند:

از ... به ایثارگران

کانون سنگر سازان بی سنگر: با توجه به سوال و خواسته ای که در شماره قبل در مورد صفحه ای برای درج قوانین و مقررات مورد نیاز ایثارگران در نشریه عنوان شده بود، صفحه ی مذکور در این شماره ایجاد و ان شاءالله تداوم خواهد یافت.

* ما در مورد بحث سهام شرکت های ایثارگری و سود سهام همچنان ابهام و سوال داریم؛ خواهشمندیم مسئولان امر توضیح دهند.

* چرا اعمال امتیاز کامل برای سوابق ایثارگری بازنشستگان در سراسر کشور اجرا نمی شود؟

* لطفا در خصوص کاهش سوابق ایثارگران جهاد که پرونده آن ها از طریق بسیج عمل می شود؛ پی گیری نمایید.

* سال ها کمیسیون مرکزی ایثارگران در وزارت جهاد کشاورزی فعال بود و به تبع آن بسیاری از مشکلات جامعه ایثارگران پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد و سایر اقدامات رفاهی، فرهنگی و حفظ و نشر آثار مهندسی جنگ جهاد انجام می شد؛ مدتی است این کمیسیون تعطیل است؛ چرا؟

جهت استحضر

با توجه به رسالت نشریه سنگرز بنیاد از این پس برخی از قوانین، مقررات و تسهیلات اختصاص یافته به ایثارگران، جهت آگاهی و بهره برداری لازم این بزرگواران ارائه می گردد. امید است این حرکت اندک بتواند در تبیین نوع و نحوه خدمات قابل ارائه به این عزیزان کمکی هرچند ناچیز بنماید.

اعلام شرایط اعطای وام مسکن ایثارگران در سال ۱۴۰۱

مدیرکل مسکن بنیاد شهید و امور ایثارگران در گفت و گویی به سؤالات ایثارگران در مورد میزان وام مسکن در سال جاری و شرایط دریافت مجدد این تسهیلات پاسخ داد.

ایشان در خصوص میزان وام مسکن ایثارگران و شرایط پرداخت آن در سال جاری اظهار کرد: بر اساس قانون، هیئت وزیران میزان تسهیلات قابل پرداخت به ایثارگران را در همان سال مشخص می کند و تا پایان خرداد این کار باید انجام شود.

وی ادامه داد: بنیاد شهید و امور ایثارگران هر سال با توجه به تورم مسکن پیشنهادات خود را به هیئت دولت اعلام می کند و این پیشنهاد در کمیسیون اقتصادی دولت تصویب و در دستور کار دولت قرار می گیرد، در حال حاضر ما منتظر ابلاغ مصوبه آن هستیم تا این مصوبه به تأیید شورای پول و اعتبار بانک مرکزی برسد و پس از آن نیز بانک مرکزی سهمیه ها را مشخص می کند.

کولیوند خاطرنشان کرد: البته وام بانکی به این صورت نیست که پایان ۱۴۰۱ تمام شود بلکه به طور معمول پرداخت آن بین ماه های تیر و مرداد سال جاری تا پایان خرداد سال بعد ادامه دارد.

مدیرکل مسکن و امور گلزارهای بنیاد شهید و امور ایثارگران شرایط پرداخت وام مجدد ایثارگران را تشریح کرد و گفت: در قوانین و مصوبه هیئت دولت این موضوع لحاظ شده و به صورت دائمی است و جانبازان می توانند از وام مجدد بدون هیچ محدودیتی برخوردار شوند، البته افرادی که تا سال ۹۰ که سقف وامشان حدود ۴۰ میلیون تومان بوده استفاده

کرده اند، تنها در قالب ساخت می توانند مجدداً بهره مند شوند اما شرایط وام مجدد خرید مسکن در قانون بودجه سنواتی مشخص می شود و در سال ۱۴۰۱ صرفاً ایثارگرانی که تا قبل از این تاریخ، مبلغ ۲۵ میلیون تومان وام دریافت کرده اند مشروط بر اینکه تا پایان سال ۹۹ تسویه حساب کرده باشند، در اولویت قرار دارند.

کولیوند در مورد واگذاری زمین به ایثارگران در استان های مختلف گفت: در قانون مشمولان واگذاری زمین، جانبازان ۲۵ درصد به بالا، همسر و فرزندان شهید و آزادگان هستند که بر اساس این قانون و تفاهم نامه های استانی که با استانداران منعقد شده، در سراسر کشور واگذاری زمین باید انجام شود، البته شاید در استانی زمین به اندازه کافی نباشد و این روند به کندی صورت پذیرد زیرا در مراکز استان ها و به خصوص تهران با مشکل جدی کمبود زمین مواجه هستیم، اما به صورت کلی این قانون در حال اجرا است.

وی با ذکر این مطلب که ۵ درصد از ظرفیت قانون جهش تولید مسکن به ایثارگران اختصاص یافته است، افزود: پیشنهادات بنیاد شهید و امور ایثارگران برای اعمال معافیت های قانونی برای ایثارگرانی که در طرح جهش مسکن ثبت نام می کنند به وزارت راه و شهرسازی ارسال شده است. پیشنهاداتی مثل معافیت از پرداخت خرید انشعابات آب، برق و گاز و تراکم ساخت که البته تمام این موارد در قیمت تمام شده ملک محاسبه و با معافیت های قانونی این مبلغ کاهش می یابد تا آورده ایثارگر نسبت به سایر افراد کمتر شود. وی افزود: ما این پیشنهاد را ارائه داده ایم و منتظریم ساز و کار نرم افزاری و سامانه ای که محل ثبت نام است اصلاح شود و این موضوع در حال پیگیری است.

سنگریز سنگریز



مقالات

کانون سنگریزان بی سنگر

شماره ۱۰۴ - تیر ماه ۱۴۰۱

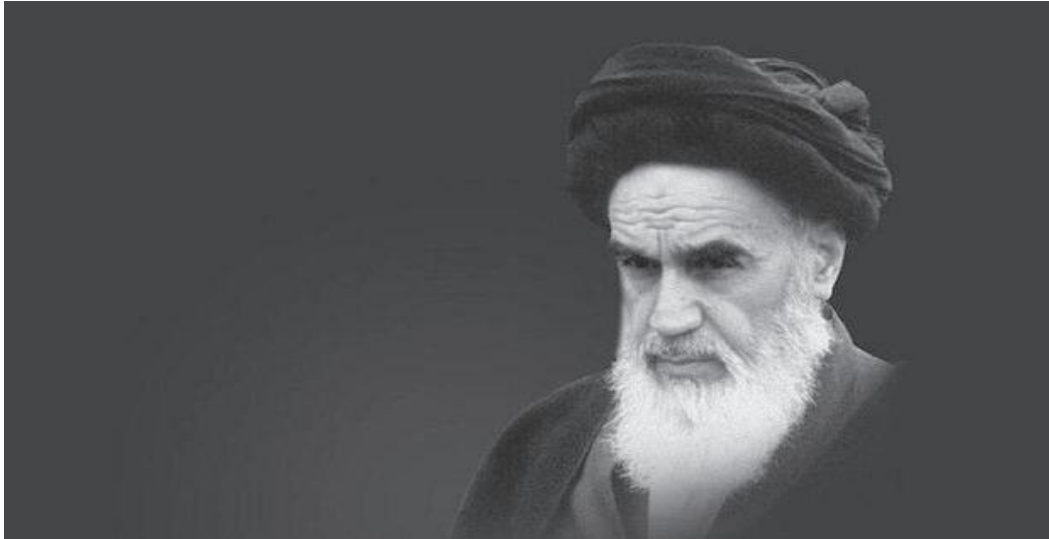
کانون سنگریزان بی سنگر

اخبار -
کانون مرکز استان‌ها
و شهرستان‌های ویژه

کربلای

مهران آزاد شد قلب مادرش دشت

پیام کانون سنگرزانه بی سنگر به مناسبت سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)



کانون سنگرزانه بی سنگر با صدور پیامی، سی و سومین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) را تسلیت گفت.

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي»

ملت شریف و عزیز ایران اسلامی

سلام و درود خدا بر شما

۳۳ سال از فراغ یار گذشت. ۳۳ سال از دوری رهبری گذشت که با تاسی از جد شهیدش، در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ پرچم مبارزه با طاغوت و ظلم و ستم پهلوی و استکبار جهانی را برافراشت.

سی و سه سال از ایام غمباری گذشت که ما «فرزندان عزیز جهادی» روح خدا با چشمانی اشکبار و ناله های جانگداز هجرت یار «روح الله الموسوی الخمينی» را همچون سایر اقشار ملت در مکانی در نزدیکی دوستان و همزمان آسمانی شده مان به خاک سپردیم، تا این قطعه از زمین ایران اسلامی جایگاهی شود برای «ای روح آرام یافته، به سوی پروردگار بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، پس در سلک بندگانم درآی، و در بهشتم وارد شو».

ما سنگرزانه بی سنگر دوران دفاع مقدس به خوبی می دانیم که حل بسیاری از مشکلات این کشور در طول تاریخ، مدیون کرامات «شمس الشمس، امام الرئوف، امام رضا(ع)» بوده و هست و در این دهه کرامت که همزمان با سالگرد ارتحال خمینی کبیر(ره) شده است، اعلام می داریم که به احدى اجازه نخواهیم داد که حتی ذره ای به این خط قرمزمان نزدیک شود. همچنین به جد معتقدیم سربلندی ملت ایران در عبور از همه فشارها، تحریم ها و نیز پیشرفت و اقتدار کشور در عرصه های گوناگون، حاصل اصل ولایت فقیه، مردم سالاری دینی و وحدت کلمه است که ملت شریفمان در تمامی این سال ها حفظ نموده اند و به خوبی می دانند که «عهد نابستن از آن به که ببندی و نپایی». پس یک بار دیگر اعلام می کنیم که «اماما! هستیم بر آن عهد که بستیم». در پایان مجدداً به پیشگاه امام زمان(عج)، مقام معظم رهبری(مدظله العالی) و آحاد ملت شریف ایران سالروز عروج بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) را تسلیت عرض می نماییم و برای نائب بر حقش طول عمر با عزت از درگاه ایزد لایزال خواهیم.



بیانیه مشترک کانون‌های جهادگران جهاد سازندگی، کانون‌های بازنشستگان جهاد سازندگی و کانون‌های سنگر سازان بی سنگر به مناسبت هفته جهاد کشاورزی خرداد ماه ۱۴۰۱



کانون‌های سنگر سازان بی سنگر، جهادگران جهاد سازندگی و بازنشستگان جهاد سازندگی
با صدور بیانیه‌ای، ۲۷ خرداد سالروز تاسیس جهاد سازندگی را گرامی داشتند. متن این بیانیه
بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف، عزیز و گرانقدر ایران اسلامی

سلام و درود خدا و ملائک بر شما

سلام و درود بر شما که میهن خود را بر بال ملائکه الله نشانید و در میان ملل جهان
سرافراز نمودید. خرداد ماه در سپهر سیاسی و تاریخی انقلاب از ارزش و اعتبار بسیاری
برخوردار است. در سومین روز از آن خرمشهر همیشه قهرمان آزاد و به دامن میهن بازگشت.
چهاردهمین روز آن به سوگ پیرجماران می نشینیم. پانزدهمین روز از آن آغاز حرکتی است
که ایران را از یوغ بردگی آزاد کرد و بیست و هفتمین روز از آن، سالروز تاسیس نهاد مقدس
جهاد سازندگی است.

آری! ۴۳ سال پیش در چنین روزهایی رهبر کبیر انقلاب اسلامی در پیامی حکم جهاد داد
اما نه از نوع مرسوم آن. ایشان حکم جهاد داد برای سازندگی. آن را مترادف با حج نامید و
متذکر شد «امروز ثوابی بالاتر از اینکه به برادرهای خودتان کمک کنید [نیست]» ما نیز به

گوش جان شنیدیم و جان در طبق اخلاص نهادیم و روی آوردیم به امر مقدس جهاد سازندگی آن هم با کلید واژه ارزشمند و گرانبه «همه با هم» که پیام امام فرزانه مان بود. اینک در چهل و سومین سالگرد تاسیس این نهاد مقدس ضمن تجدید پیمان با آرمان های امام راحل(ره) متذکر می شویم.

بر عهد و پیمانی که با مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) بستیم پایبندیم و تا جان در بدن داریم بر این عهد و پیمان باقی می مانیم و به خود بر این عهد می بالیم. علیرغم تمامی مشکلات و موانعی که بر سر راه ایران اسلامی قرار دارد و از درگاه خداوند متعال برای رفع آنان طلب استمداد می نماییم، معتقدیم که آینده روشن پیش رو داریم و پیشرفت های کشور در زمینه های مختلف را مرهون انقلاب مقدس اسلامی می دانیم و به آن وفادار خواهیم ماند. به دولت مردمی جمهوری اسلامی یادآور می شویم که نسخه همان است که امام راحل فرمودند. «ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت. ملتی که - بحمدالله - مهیا برای کمک و فداکاری بوده و هستند.» و یادآوری می کنیم هر حرکتی می بایستی با همراهی ملت شریف انجام شود تا به نتیجه مطلوب برسد در غیر اینصورت محکوم به شکست خواهد بود.

به ملت شریف، صبور و بزرگوار ایران اسلامی پیام خمینی کبیر را یادآوری می کنیم که «از ملت می خواهیم که همه در این نهضت شرکت کنند و همه دست برادری به هم بدهند و این سازندگی و جهاد سازندگی را شروع کنند.» و معتقدیم این پیام همچنان به قوت خود باقی است و نیاز است که همه با هم دست به دست هم دهیم به مهر و میهن خویش را کنیم آباد.

نهضت جهادگرانه و مدیریت جهادی، گفتمان انقلاب اسلامی است که متکی به آن برای سازندگی کشور جریان سازی شده است. الگوگیری از این نهضت که دیگران در فرامرزها نیز تجربیات موفق آن را مدون کرده و برای اجرا فرا روی خود قرار داده اند، شایسته است همواره در عالی ترین سطح در نظام اسلامی تبیین و اطلاع رسانی شود از جمله بارزترین نماد جهاد تبیین مستندسازی و انتشار دستاوردهای نهضت مقدس جهاد سازندگی است که امید می رود الگوی راه خیل دهها هزار گروه جهادی حاضر به خدمت و مشتاقی که به این نهضت خواهند پیوست، قرار گیرد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی همواره بر دانش محور بودن فعالیت ها و دانش بنیان شدن ساختارها و فرایندها تاکید داشته و در سال جاری در شعار «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین» متجلی شده است واصلی ترین موضوع تولیدی در کشور امنیت غذایی و محوریت بخش کشاورزی و توسعه روستایی است اینها همان رسالت هایی است که با احیاء صحیح فرهنگ جهاد سازندگی مجدداً جریان ساز فعالیت هایی می شود که پاسخ سریع و قاطع به مطالبات مردم خواهد بود.

در پایان، یک بار دیگر با آرمان های مقدس انقلاب و امام راحل تجدید پیمان نموده و به محضر قائم آل محمد(ص)، حضرت ولیعصر(عج) سلام و درود می فرستیم و آرزو مندیم که روزی با ظهور حضرتش، مجدداً پای در رکاب سربازی اسلام قرار دهیم و یکصدا با هم فریاد بزنیم «سلام فرمانده»

برگزاری مراسم اختتامیه بازخوانی فرمان جهاد



اهدای تندیس، لوح تقدیر و هدیه نقدی مورد تقدیر قرار گرفتند.



در ۴۳مین سالگرد صدور فرمان جهاد سازندگی، صبح شنبه، ۲۸ خردادماه، نشست گفتگویی «بازخوانی و تحلیل پیام امام خمینی (ره) در صدور فرمان جهاد سازندگی» در مرکز مطالعات راهبردی ژرفا برگزار شد.

در این نشست که با همکاری کانون سنگر سازان بی سندر و مرکز مطالعات راهبردی ژرفا (اندیشکده مطالعات اجتماعی) برگزار شد، آقای دکتر سید مجتبی قافله‌باشی و آقای مصطفی فارویی به عنوان کارشناس حضور داشتند و پس از گفت‌وگو پیرامون پیام بنیانگذار انقلاب اسلامی در صدور فرمان جهاد سازندگی، مراسم اختتامیه و معرفی برگزیدگان اولین فراخوان مردمی کلیپ ۲۷ خرداد به همراه پخش کلیپ‌های برتر، با حضور آقای صدوری (مدیرعامل کانون سنگر سازان بی سندر) و آقای دکتر ستاری (معاون پژوهشی مرکز مطالعات ژرفا) انجام شد.

در این اختتامیه آثار ارسالی آقایان میثم بابایی، سید حامد حسینی و سید علیرضا ذاکری به عنوان آثار برگزیده معرفی و با

دومین اجلاس سگر سازان بی سگر در اراک برگزار شد

استراتژی قدرت هژمونی یا تنها ابرقدرت جهان شدن از سوی آمریکا با شکست مواجه شد و جهان به سمت چند قطبی شدن قدرت در حال حرکت است و مصداق آن جنگ روسیه و اوکراین است.

سردار سرلشکر رحیم صفوی در بخش دیگری از سخنانش گفت: برگزاری اجلاس سگر سازان یادآور تصمیم و ابتکار حضرت امام خمینی(ره) برای رسیدگی به مناطق محروم و حماسه جهادگران برای کاشتن بذر امید و عدالت با مدیریت جهادی در دل محروم‌ترین و مستضعف‌ترین اقشار جامعه یعنی روستائیان است.

سرلشکر رحیم صفوی بیان کرد: نیروهای جهاد سازندگی با تلفیق ایمان و عمل و با مدیریت جهادی، فرهنگ اسلامی



دومین اجلاس سگر سازان بی سگر از سری اجلاسیه های کنگره ملی نقش امام خمینی(ره) در دفاع مقدس و ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی با شعار فرهنگ و مدیریت جهادی راهگشای گام دوم انقلاب با سخنرانی سردار سرلشکر پاسدار رحیم صفوی و حضور جمعی از خانواده معظم شهدا، آیت الله دری نجف آبادی امام جمعه اراک، دکتر مخلص الائمه استاندار مرکزی، سردار کریمی فرمانده سپاه روح الله استان، رئیس و کارکنان سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی و جمعی از مسئولین و رزمندگان در سازمان جهاد کشاورزی استان در اراک برگزار شد.

این اجلاس با حضور پیکر مطهر شهید گمنام معطر به عطر شهدا شد.

ادای احترام سردار سرلشکر رحیم صفوی به مقام شامخ شهدای شهر اراک، کلنگ زنی یادمان شهید گمنام در محوطه سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی و نمایشگاه توانمندی‌های جهاد کشاورزی استان مرکزی از برنامه‌های جانبی اجلاس بود.

سردار سرلشکر سید «یحیی رحیم صفوی» در دومین اجلاس سگر سازان بی سگر استان مرکزی در جهاد کشاورزی این استان در اراک، افزود: استراتژی قدرت هژمونی یا تنها ابرقدرت جهان شدن از سوی آمریکا با شکست مواجه شده و جهان به سمت چند قطبی شدن قدرت در حال حرکت است.

وی بیان کرد: قدرت هژمونی یعنی هیچ قدرتی نتواند با آنها مقابله کند، آنها می‌گفتند جهان یک دهکده است و فرهنگ و آداب و رسوم این دهکده باید آمریکایی شود. دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا ادامه داد: اما



وی افزود: جهاد سازندگی با رسیدگی به محرومان جنگی در سریع‌ترین زمان ممکن به بیمارستان‌های صحرایی، جان هزاران مجروح را نجات دادند.

دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا در بخش دیگری از سخنان خود در تشریح فرهنگ و مدیریت جهادی گفت: هر دولت و حکومتی متناسب با اندیشه سیاسی خودش یک فرهنگ عمومی را می‌سازد.

سردار سرلشکر صفوی عنوان کرد: به عنوان مثال رژیم منحوس سابق به دنبال حاکمیت فرهنگ و ارزش غربی در تمامی ابعاد بر ملت ایران بود که با ارزش‌های ملی و اسلامی ما متضاد بود و ی آمریکا پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ به دنبال تک‌قطبی‌سازی قدرت در تمام ابعاد فرهنگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی در جهان بود. وی با تبیین اهمیت فرهنگ تصریح کرد: فرهنگ بر همه ارکان یک دولت یا حکومت، در تنظیم قوانین، سیاست‌های اقتصادی و خارجی، سیاست‌های دفاعی و امنیتی یک دولت تأثیرگذار است و در نهایت فرهنگ جوهره شکل‌دهنده به باورها و ارزش‌های اجتماعی، هنر، ادبیات و آداب و رسوم یک ملت است.

وی با اشاره به بسترهاب فضای مجازی برای تغییر در فرهنگ ملی کشورها افزود: جنگ نرم و فضا ب مجازی می‌تواند درست در مقابل فرهنگ ملی و ارزشی یک ملت یا یک دولت عمل کند یعنی هدف جنگ نرم تغییر در فرهنگ و باورها و ارزش‌ها و هنجارهای یک ملت بویژه جوانان است.

سردار صفوی با تشریح مؤلفه‌های مدیریت جهادی گفت: مدیریت جهادی مرکب از مؤلفه‌های عشق، ایمان، عقلانیت، ولایت‌مداری، عزم و اراده در رسیدن به اهداف و خدمت به مردم و توانایی مدیریتی غلبه بر چالش‌ها و موانع و عبور از آنها با شعار ما می‌توانیم، است.

وی با اشاره به جایگاه مدیریت جهادی در منظومه فکری مقام معظم رهبری تصریح کرد: مبنا و اساس بودن اسلام ناب محمدی(ص)، معنویت و عقلانیت، مکتبی و مردمی



و انقلابی و با ثبات قدم، صبر، مدیریت انعطاف‌پذیر و کاربردی در قالب ستادهای پشتیبانی و مهندسی، خدمات بزرگی را برای پیروزی جنگ انجام دادند.

وی اضافه کرد: حضور جهاد سازندگی و اقدامات گسترده این نهاد انقلابی در جبهه‌های جنوب، غرب و شمال غرب کشور با بهره‌گیری و بکارگیری از صدها تجهیزات مهندسی و هزاران نفر نیروهای متخصص و رزمندگان شجاع در کمک به فرماندهان نظامی و در نهایت پیروزی در دفاع مقدس بسیار تأثیرگذار بود.

رئیس پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی با برشماری خدمات جهاد سازندگی در دوران جنگ تحمیلی خاطرنشان کرد: جهاد سازندگی این سنگ‌سازان بی‌سنگر در دشت‌های تفتیده خوزستان در کوه‌های سر به فلک کشیده غرب و شمال غرب کشور، در هورالعظیم و دریا با ساخت چند هزار کیلومتر راه و صدها پل ابتکاری و هزاران سنگر مختلف بتونی، ده‌ها بیمارستان صحرایی و احداث هزاران کیلومتر خاکریز، یکی از ارکان پیروزی آفرین در جنگ بود.



فرمانده سپاه روح‌الله استان مرکزی هم در این آیین گفت: از سال ۹۳ تصمیم گرفته شده نقش این استان در دفاع مقدس تدوین و در این راستا بیش از ۱۱ کارگروه تشکیل شد. سردار سرتیپ دوم پاسدار «محسن کریمی» افزود: این استان هفت هزار و ۲۰۰ شهید تقدیم انقلاب و اسلام کرده است.

وی بیان کرده است: نخستین شهید خلبان، نخستین شهدای نیروی دریایی و نخستین شهید مشروطه از استان مرکزی است و این استان نخستین‌های زیادی دارد. فرمانده سپاه روح‌الله استان مرکزی ادامه داد: این استان در دوران دفاع مقدس ۱۲۰ پروژه بزرگ مهندسی را در دوران ساخت و برای خدمت به دفاع کشور به کار گرفته شد.

سردار سرتیپ دوم کریمی عنوان کرد: تاسیس کانون قرآنی کربلایی کاظم ساروقی از برنامه‌های مهم است تا بتوان معجزه قرآنی ساروق را بیش از پیش به دنیا معرفی کرد.

وی گفت: برگزاری مجدد اردوهای هفت اقلیمی، (هفت مکانی که امام انقلاب در آن حضور داشته و مراحل انقلاب را دنبال کرده‌اند) از دیگر برنامه‌های سپاه روح‌الله استان مرکزی است.

فرمانده سپاه روح‌الله استان مرکزی افزود: تا قبل از شیوع

بودن، حفظ ارزش‌های اسلامی و انقلابی، حفظ کرامت انسانی و بهره برداری از قدرت مادی و معنوی برای حل مشکلات مختلف از شاخص‌های مدیریت جهادی از دیدگاه مقام معظم رهبری است.

دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا افزود: هدف نهایی مدیریت جهادی تعالی، تکامل فردی و اجتماعی و ایجاد زمینه برای خودسازی فردی و اجتماعی، جهت خدمت به ملت و کشور، دین و انقلاب اسلامی است.

این فرمانده عالی دوران دفاع مقدس با اشاره به خصوصیات مدیران جهادی تأکید کرد: مدیران جهادی از دانش و مهارت عملی تأثیرگذار در محیط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار هستند.

سردار سرلشکر رحیم صفوی گفت: مدیر جهادی التزام عملی به مبانی و ارزش‌های اسلامی و اخلاق حرفه‌ای و رفتار انسانی دارد و از روحیه خودمحوری و تکبر به دور است و به کار تیمی اعتقاد دارد.

وی با بیان اینکه مدیر جهادی دارای روحیه مردم‌داری و مردمیاری است اظهار داشت: مدیر جهادی از توانایی ارتباطات گسترده با اقشار مختلف مردم برخوردار و به دانش مدیریت روز مسلط است و در نهایت به دنبال عاقبت بخیری است.





وی یادآور شد: بیش از ۶۰ هزار دانشجو در سطح استان در قالب ۲ واحد درسی دفاع مقدس در طرح شهید مجید ایزد پناه به طور تخصصی با فرهنگ ایثار و شهادت آشنا می‌شوند که محوریت آن آشنایی با سیره امام راحل و مقام معظم رهبری و نقش استان مرکزی در دفاع مقدس است.

فرمانده سپاه روح‌الله استان مرکزی بیان کرد: تهیه و چاپ بیش از ۱۶۰ عنوان کتاب در حوزه‌های دفاع مقدس و انقلاب اسلامی از دستاوردهای دیگر کنگره شهدای استان مرکزی است و نهضت تولید محتوا در قالب کارگروه‌ها و کمیته‌های



کرونا، سه هزار و ۷۰۰ نفر از این اردوها بهره‌مند شدند و با استقبال خوبی همراه بود.

سردار کریمی بیان کرد: دفاع مقدس به عنوان یک حماسه ملی متعلق به همه ملت ایران است و امروز این گنج گران بها باید به خوبی حفظ شود و لازمه آن پای کارآمدن همه مردم است.

فرمانده سپاه روح‌الله استان مرکزی ادامه داد: به برکت برگزاری کنگره شهدای استان مرکزی یک جریان فرهنگی قوی در سطح استان شکل گرفته که بیش از سه هزار فعال فرهنگی، هنری و اجتماعی در این جریان سازماندهی شده اند و برای اجرای برنامه‌ها نقش آفرینی موثر داشته‌اند.

سردار سرتیپ دوم پاسدار کریمی تصریح کرد: بیش از ۱۶ اجلاس تخصصی و ۲ همایش بزرگ با محوریت تبیین نقش اقشار مختلف مردم در دفاع مقدس و انقلاب اسلامی در ذیل کنگره شهدای استان مرکزی برگزار شده و بسیاری از اقداماتی که در کنگره شروع شده همچنان با قوت در حال انجام است و برگزاری اجلاس‌ها پایان کار نیست.



جهادگران شهرستان شاهرود میزبان دو شهید خوش نام دفاع مقدس شدند



در این آیین کارکنان جهادی مدیریت جهاد کشاورزی و سنگرسازان شهرستان شاهرود با نثار شاخه های گل به مقام شامخ این شهیدان والا مقام دفاع مقدس، بار دیگر با آرمانهای مقدس شهدا تجدید پیمان کردند.

در این مراسم، حاضران ضمن قرائت فاتحه، هم قسم شدند تا از راه مقدس شهدا در مسیر خدمت به مردم، ذره ای عقب ننشینند.

جهادگران و سنگرسازان مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان شاهرود میزبان دو شهید خوش نام دفاع مقدس شدند. در ادامه مراسم های وداع و تشییع پیکرهای پاک شهدای گمنام در استان سمنان، فضای مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان شاهرود به عطر پیکر دو تن از این شهدای گمنام معطر شد.

در مراسم تجدید بیعت جهادگران مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان شاهرود در سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق (ع) با این شهیدان والا مقام در محل مدیریت این اداره برگزار شد.

سالروز ازدواج حضرت امام علی (ع)
و حضرت فاطمه (س) و روز ازدواج گرامی باد



پیوند ارباب عشق



مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَبِذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ

حرکہ من مولای او ستم علی مولای او است

عید بزرگ ولایت

فرارسیدن عید بزرگ ولایت، عید سعید
غدیر خم بر عموم مسلمین جهان مبارک باد